

An Examination of Article 121(3) of the Convention on the Law of the Sea in Light of the South China Sea Arbitration Award with Particular Reference to Iran’s Un-delimited Maritime Boundaries in Persian Gulf ♦

♦ *The opinions and interpretations adopted in this article are exclusively attributable to the author and in no way represent formal positions of I.R.I. on Iran’s Un-delimited Maritime Boundaries in Persian Gulf*

Sasan Seyrafi *

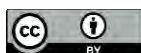
(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2023.703946

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1402.40.70.1.2

Abstract

Article 121 of the United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS) pertains to the Regime Islands. While Article 121, paragraph (1) defines the term ‘Island’, paragraph 2 prescribes that an island belonging to a coastal state is entitled to the same maritime zones as the mainland, namely: the territorial sea, the contiguous zone, the exclusive economic zone and the continental shelf. Paragraph (3) of Article 121, however, makes an exception to the rule stated in paragraph (2) and deprives “[r]ocks which cannot sustain human habitation or economic life of their own” from having an exclusive economic zone or continental shelf and thus cannot affect the delimitation of these maritime zones. But many ambiguities in the text of Article 121(3) have created many questions and controversies among legal scholars. The 2016 *South China Sea* arbitration award marked a turning point in the discussions on Article 121(3), insofar as it provided a comprehensive interpretation of this paragraph. This paper intends to address the following question: given the interpretation of Article 121(3) of UNCLOS in the South China Sea arbitration award, what is the exact meaning of this paragraph? Addressing this question is especially necessary due to the fact that some of the islands relevant to the maritime delimitation between Iran and Kuwait as well as Iran and the UAE may be covered by Article 121(3). The findings of this study suggest that the *South China Sea* tribunal’s interpretation of Article 121(3), particularly as regards the terms “human habitation” and “economic life of its own”, will deprive many islands of an exclusive economic zone and a continental shelf. Yet, regardless of how the tribunal’s findings are evaluated, it would seem that this interpretation can benefit Iran in its maritime delimitations with Kuwait and the UAE.

* Assistant Professor of Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, sasanseyrafi@ut.ac.ir



Keywords

Article 121 (3) of the Law of the Sea Convention, Island, Rock, Exclusive Economic Zone, Continental Shelf, Maritime Delimitation, Iran, Kuwait, UAE

بازخوانی بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها در پرتو رأی دیوان داوری دریای چین جنوبی با نگاه ویژه به مرزهای دریایی تحدیدنشده ایران در خلیج فارس ❖

❖ دیدگاه‌ها و تفسیرهای مندرج در این مقاله منحصراً نظر نویسنده است و به هیچ وجه منعکس‌کننده مواضع رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در خصوص تحدید مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس نیست.

ساسان صیرفی *

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2023.703946

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1402.40.70.1.2

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

چکیده

ماده ۱۲۱ کنوانسیون ملل متحد در خصوص حقوق دریاها به موضوع «رژیم جزایر» اختصاص دارد. پس از تعریف جزیره در بند ۱ این ماده، بند ۲ آن مقرر می‌دارد که هر جزیره متعلق به یک کشور ساحلی، مانند سرزمین اصلی، دارای دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است. اما در بند ۳ ماده ۱۲۱ استثنایی به این قاعده وارد شده است. طبق این بند، «صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند»، فاقد منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بوده و بالتبع در تحدید حدود این مناطق نیز مؤثر نخواهند بود. این در حالی است که ابهامات متعدد در متن بند ۳ ماده ۱۲۱ سؤال‌ها و بحث‌های فراوانی را در خصوص این بند پدید آورده است. نقطه عطف

بحث‌ها دربارهٔ بند ۳ ماده ۱۲۱ رأی ماهیتی دیوان داوری قضیهٔ دریای چین جنوبی بین فیلیپین و چین بود که در آن تفسیری جامع از مفاد این بند ارائه شد. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که با لحاظ تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها در رأی دیوان داوری چین جنوبی، معنی دقیق این بند چیست و چه معیارهایی برای تشخیص مصادیق آن وجود دارد؟ بررسی این مسئله به‌ویژه از آن رو ضروری است که برخی از جزایر مؤثر در تحدید حدود منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره بین ایران و کویت و نیز ایران و امارات متحدهٔ عربی، قابل انطباق با بند ۳ ماده ۱۲۱ هستند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تفسیر دیوان داوری قضیهٔ دریای چین جنوبی از بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها به‌ویژه در مورد دو معیار «سکونت انسانی» و «حیات اقتصادی خود»، بسیاری از جزایر کشورهای ساحلی را از منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره محروم خواهد کرد. فارغ از ارزیابی تفسیر دیوان از بند یادشده، به نظر چنین می‌رسد که این تفسیر در تعیین مرزهای دریایی ایران با کویت و امارات متحدهٔ عربی به سود ایران قابل استفاده خواهد بود.

واژگان کلیدی

بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها، جزیره، صخره، منطقهٔ انحصاری اقتصادی، فلات قاره، تحدید حدود دریایی، ایران، کویت، امارات متحدهٔ عربی

مقدمه

نظم حقوقی برآمده از کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد در خصوص حقوق دریاها (از این پس «کنوانسیون حقوق دریاها» یا «کنوانسیون»)، بر تقسیم دریاها به مناطقی استوار شده که هر یک تابع رژیم حقوقی ویژهٔ خود هستند. در یک سو مناطق دریایی ملی، شامل دریای سرزمینی، منطقهٔ نظارت، منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره قرار دارند که گسترهٔ حاکمیت، نظارت، حقوق حاکمه و صلاحیت کشورهای ساحلی در دریاها را مشخص می‌کنند؛ در سوی دیگر، مناطق دریایی بین‌المللی شامل دریای آزاد و منطقهٔ بستر بین‌المللی دریاها تحت حاکمیت هیچ کشوری قرار ندارند. در حالی که دریای آزاد «به روی همهٔ کشورها اعم از ساحلی و بدون ساحل باز است»، منطقهٔ بستر بین‌المللی دریاها، «میراث مشترک بشریت» محسوب می‌شود.^۱ در این راستا، هر آنچه بر وسعت مناطق دریایی کشورهای ساحلی مؤثر باشد، به لحاظ سیاسی و حقوقی درخور اهمیت است. از همین رو موضوع جزایر، شایستهٔ توجه ویژه است، چه جزایر، خواه از حیث تعیین خط مبدأ مناطق دریایی، خواه از نظر تعلق مناطق دریایی به خود آن‌ها و خواه به جهت

۱. برای توضیح بیشتر دربارهٔ مناطق دریایی، ن.ک: طلائی، *فرهنگ حقوق بین‌الملل دریاها، جنگل*، ۱۳۹۶، صص ۱۶۵-۶۳.

همچنین، ن.ک:

Yushifumi, Tanaka, *The International Law of the Sea*, 3rd ed., Cambridge University Press, 2019, pp. 37-232.

تحدید حدود این مناطق، نقشی اساسی در حقوق بین‌الملل دریاها دارند. با این همه، تنها یک ماده از کنوانسیون حقوق دریاها به موضوع جزایر اختصاص یافته است؛ ماده ۱۲۱ که تنها ماده ذیل قسمت هشتم کنوانسیون با عنوان «رژیم جزایر»^۲ است، چنین مقرر می‌دارد:

۱- جزیره منطقه‌ای به‌طور طبیعی شکل‌گرفته از زمین است که آب پیرامون آن را احاطه کرده و هنگام مد، بالای سطح آب قرار می‌گیرد؛ ۲- جز در موارد مقرر در بند ۳، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره یک جزیره، برابر مقررات قابل اعمال این کنوانسیون بر سایر قلمروهای زمینی تعیین می‌شود؛ ۳- صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند، منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره نخواهند داشت.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، به دلالت بند ۲ ماده ۱۲۱ جزایر متعلق به کشورهای ساحلی، مانند سرزمین اصلی آن‌ها از مناطق چهارگانه دریایی برخوردار می‌شوند. اما از سوی دیگر، بنابر بند ۳ این ماده، گروهی از جزایر که از آن‌ها به «صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند» تعبیر شده، از قاعده بند ۲ مستثنا و از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره محروم شده‌اند. مسئله اینجاست که واژه‌پردازی مبهم و موجز بند ۳ ماده ۱۲۱ که به «استثنای صخره‌ها»^۳ معروف است، پرسش‌های متعددی را درباره مفاد و مصادیق این بند پدید می‌آورد که طی چندین دهه نویسندگان حقوقی را به خود مشغول داشته‌اند،^۴ چندان که بند ۳ ماده ۱۲۱ به «جعبه پاندور (پاندورا)»^۵ تشبیه شده است.^۶

2. Regime of Islands

3. Rocks exception

۴. برای نمونه، ن. ک:

Charney, Jonathan I., "Rocks that Cannot Sustain Human Habitation", *American Journal of International Law*, Vol. 93, 1999, pp. 863-877; A. G. Oude Elferink, "Clarifying Article 121 (3) of the Law of the Sea Convention: The Limits Set by the Nature of International Legal Process", *IBRU Boundary and Security Bulletin*, 1998, at 58-68; Franckx, Erik, "The Regime of Islands and Rocks" in David Joseph Attard (ed.), *The IMLI Manual on International Maritime Law*, Oxford University Press, 2014, Vol. I, pp.99-124; Karagiannis, Symeon, "Rochers qui ne se prêtent pas à l'habitation humaine ou a une vie économique propre et le droit de la mer", *Revue Belge de Droit International*, Vol. 29, no. 2, 1996, pp. 559-624; Kolb, Robert, "L'interprétation de l'article 121, paragraphe 3, de la convention de Montego Bay sur le droit de la mer", *Annuaire français de droit international*, Vol. 40, 1994, pp. pp. 876-909; Kwiatkowska, Barbara and H. A. Soons, Alfred, "Entitlement to Maritime Areas of Rocks Which Cannot Sustain Human Habitation or Economic Life of Their Own.", *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 21, 1990, pp. 139-181; Prescott, Victor and Schofield, Clive, *The Maritime Political Boundaries of the World*, 2nd ed., Martinus Nijhoff Publishers, 2005, pp.57-75; J.M. Van Dyke and R.A. Brooks, "Uninhabited Islands: Their Impact on the Ownership of the Oceans' Resources," *Ocean Development and International Law*, Vol. 12, Nos. 3-4, 1983, pp. 265-300.

۵. اصطلاح «جعبه پاندور (پاندورا)» (Pandora's box/ boîte de Pandore) برگرفته از اساطیر یونان باستان بوده و در زبان‌های اروپایی کنایه از چیزی است که منشأ مشکلات ناشناخته و پیش‌بینی‌نشده می‌شود.

6. Kolb, *op.cit.*, pp. 894, 899 and 909.

این همه در حالی بود که طی سالیان متمادی، مراجع قضایی و داورى بین‌المللی، مجالى برای تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ پیدا نکرده بودند.^۷ اما صدور رأی دیوان داورى قضیه دریای چین جنوبی بین جمهوری فیلیپین و جمهوری خلق چین (از این پس «دیوان داورى دریای چین جنوبی») برای نخستین بار، امکان رفع این خلأ را فراهم کرد.^۸ از جمله اختلافات کشورهای حاشیه دریای چین جنوبی، تنش‌های دیرپای چین از یک سو و دیگر کشورهای ساحلی از سوی دیگر، درباره حاکمیت بر جزایر این دریا به‌ویژه جزایر معروف به *اسپرتلی*^۹ و *پاراسل*^{۱۰} است. در ۲۰۱۳ دولت فیلیپین به منظور حل اختلافات خود با چین درباره دریای چین جنوبی به آیین داورى موضوع ضمیمه هفتم کنوانسیون توسل جست.^{۱۱} دیوان داورى با وجود اعتراضات صلاحیتی چین و خودداری این کشور از شرکت در جلسات رسیدگی، صلاحیت خود را احراز کرده^{۱۲} و طی رأی ماهیتی ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۶ خود درباره دعوا اتخاذ تصمیم کرد.^{۱۳} از جمله خواسته‌های فیلیپین در این دعوا این بود که دیوان چندین عارضه دریایی واقع در دریای چین جنوبی را به‌عنوان صخره‌های مشمول بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون اعلام کند.^{۱۴} این خواسته، دیوان داورى را بر آن داشت تا بخش مفصلی از رأی خود را به تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون اختصاص دهد و در این راستا معیارهایی را برای تشخیص «صخره»، موضوع بند ۳ از «جزیره کامل»^{۱۵} موضوع بند ۲ این ماده

۷. ذکر این توضیح ضروری است که تا کنون چندین بار در دعاوی تحدید حدود دریایی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها برای نفی اثر جزایر کوچک در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره استناد شده است اما دیوان همواره با این استدلال که جزیره مورد نظر به جهت دیگر در فرایند تحدید حدود اثری ندارد از اعمال بند ۳ ماده ۱۲۱ خودداری کرده و از همین رو نیز خود را از تفسیر این بند بی‌نیاز دیده است. برای توضیح بیشتر، ن.ک: Franckx, *op.cit.*, pp. 121-4.

8. Yushifumi Tanaka, "Reflections on the Interpretation and Application of Article 121(3) in the South China Sea Arbitration (Merits)", *Ocean Development & International Law*, Vol. 48, Nos. 3-4, 2017, p. 366.

9. Spratly Islands

10. Parcel Islands

۱۱. برای توضیح درباره آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها ن.ک: طلایی، همان، صص ۲۳۰-۲۰۱. همچنین، ن.ک:

Tanaka, *op.cit.*, pp. 493-537.

۱۲. دیوان داورى دریای چین جنوبی طی رأی ۲۹ اکتبر ۲۰۱۵ صلاحیت خود را برای رسیدگی به دعوا احراز کرد. برای توضیح بیشتر درباره این رأی و همچنین پیشینه تاریخی و دامنه موضوعی دعاوی فیلیپین علیه چین، ن.ک:

Sreenivasa Rao Pemmaraju, "The South China Sea Arbitration (The Philippines v. China): Assessment of the Award on Jurisdiction and Admissibility", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 15, No. 2, 2016, pp. 265-308.

13. *The South China Sea Arbitration (The Philippines v. The People's Republic of China)*, Merits, Award of 12 July 2016, Reports of International Arbitral Awards, Vol. XXXIII, pp. 153-617 [hereinafter "*The South China Sea Arbitration*"]

14. *Ibid.*, paras. 112 (3) and (7).

۱۵. اصطلاح «جزیره کامل» (Fully Entitled Island) تعبیری است که دیوان داورى دریای چین جنوبی در خصوص جزایر مشمول بند ۲ ماده ۱۲۱ کنوانسیون به کار برده است که مانند سرزمین اصلی از هر چهار منطقه دریایی برخوردار می‌شوند. ن.ک:

ارائه دهد.^{۱۶} شکی نیست که رأی دیوان داوری دریای چین جنوبی جامع‌ترین و معتبرترین منبع تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون تلقی شده و به‌عنوان سابقه در این خصوص مورد استناد قرار خواهد گرفت.^{۱۷} در عین حال، تفسیر دیوان از این بند به بحث‌ها درباره این موضوع پایان نداده و خود مورد بررسی‌های انتقادی واقع شده است.^{۱۸}

باید در نظر داشت که بررسی بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها از دید منافع ایران دارای اهمیت بسزایی است، چرا که برخی از جزایر مؤثر در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بین ایران و کویت و نیز ایران و امارات متحده عربی قابل انطباق با بند ۳ ماده ۱۲۱ هستند. از این رو واکاوی این بند در پرتو رأی داوری دریای چین جنوبی ضروری به نظر می‌رسد. در واقع، مسئله بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون در جریان مذاکرات کنفرانس سوم ملل متحد در خصوص حقوق دریاها (از این پس «کنفرانس سوم حقوق دریاها») مورد دغدغه دولت ایران بوده، چندان که ایران تنها کشوری است که صراحتاً در اعلامیه تفسیری منضم به امضای خود بر کنوانسیون حقوق دریاها در مورد این بند بیان موضع کرده است.^{۱۹}

این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که با لحاظ تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها در رأی دیوان داوری چین جنوبی، معنی دقیق این بند چیست و چه معیارهایی برای تشخیص مصادیق آن وجود دارد؟ در این راستا، پس از نگاهی اجمالی به رژیم جزایر در کنوانسیون حقوق دریاها، پیشینه تاریخی، ناروشنی متنی و جایگاه عرفی بند ۳ ماده ۱۲۱ به بحث گذاشته می‌شود. سپس تفسیر دیوان داوری دریای جنوبی از این بند بازگو خواهد شد و در پایان، اعمال بند ۳ ماده ۱۲۱ در مورد مرزهای تحدیدنشده ایران با کویت و امارت متحده عربی بررسی خواهد شد.

Ibid., para. 280

16. *Ibid.* paras. 475-553.

17. Talmon, Stefan, Commentary on Article 121, in *United Nations Convention on the Law of the Sea: A Commentary*, ed. Alexander Proelss, Beck/Hart, 2017, p. 862.

۱۸. برای نمونه، ن.ک:

Evans, Malcolm D. and Reece Lewis, "The regime of islands" in Øystein Jensen (ed.), *The Development of the Law of the Sea Convention*, Edward Elgar Publishing, 2020, p. 14 at pp. 30-35; Sheng-ti Gau, Michael, "The Interpretation of Article 121(3) of UNCLOS by the Tribunal for the South China Sea Arbitration: A Critique" *Ocean Development & International Law*, Vol. 50, No. 1, 2019, pp. 49-69.

۱۹. موضع ایران درباره بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون، در بند ۵ اعلامیه تفسیری ذکر شده است. برای ملاحظه متن فارسی و انگلیسی اعلامیه تفسیری ایران در زمان امضای کنوانسیون حقوق دریاها، ن.ک: طلائی؛ همان، صص ۳۰۲-۲۹۹. لازم به ذکر است که رومانی نیز در اعلامیه تفسیری خود تلویحاً به بند ۳ ماده ۱۲۱ اشاره کرده است. همچنین ونزوئلا طی اعلامیه منضم به امضای سند نهایی کنفرانس سوم حقوق دریاها، مخالفت خود را با بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون اعلام کرده است. ن.ک:

Worster, William Thomas (ed.), *United Nations Convention on the Law of the Sea, Create Space Independent Publishing*, 2012, pp. 351 and 372.

۱. نگاهی اجمالی به رژیم جزایر در کنوانسیون حقوق دریاها

در مقدمه اشاره شد که ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها تنها ماده این کنوانسیون است که ذیل عنوان «رژیم جزایر» به موضوع جزایر اختصاص یافته است. در این ماده به تعریف جزیره و تعلق مناطق دریایی به جزایر پرداخته شده است. این در حالی است که اثر جزیره در حقوق دریاها به ایجاد مناطق دریایی محدود نشده و آثار متعددی بر جزایر مترتب می‌شود.^{۲۰} این بخش، نگاهی اجمالی به رژیم جزایر در کنوانسیون حقوق دریاها خواهد داشت تا مشخص شود که مسئله بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون در چه پس‌زمینه‌ای اهمیت پیدا می‌کند.

۱-۱. تعریف جزیره

چنان که قبلاً ذکر شد، در بند ۱ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها، جزیره این‌گونه تعریف شده است: «منطقه‌ای به‌طور طبیعی شکل‌گرفته از زمین ... که آب پیرامون آن را احاطه کرده و هنگام مد، بالای سطح آب قرار می‌گیرد». این بند عیناً تکرار بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در خصوص دریای سرزمینی و منطقه نظارت (از این پس «کنوانسیون دریای سرزمینی») است.^{۲۱} به تأیید رویه قضایی، تعریف مندرج در بند ۱ ماده ۱۲۱ امروزه به قاعده عرفی مبدل شده است.^{۲۲} در وهله نخست از این تعریف چنین برداشت می‌شود که جزیره، به عارضه دریایی اطلاق می‌شود که گرداگرد آن را آب فرا گرفته است.^{۲۳} افزون بر این، به تأکید رویه قضایی، عبارت «منطقه‌ای به‌طور طبیعی شکل‌گرفته از زمین» دلالت بر این دارد که ترکیب زمین‌شناختی عارضه دریایی بر شمول تعریف جزیره بر آن اثری ندارد،^{۲۴} بلکه همین که یک عارضه طبیعی

۲۰. تاکنون تألیفات متعددی به منظور بررسی جامع رژیم جزایر در حقوق دریاها منتشر شده است. برای نمونه، ن. ک.:

بیگزاده، ابراهیم و اسما سالاری؛ نظام حقوقی جزایر در حقوق بین‌الملل، خرسندی، ۱۳۹۱. همچنین، ن. ک.:

Bowett, Derek W., *The Legal Regime of Islands in International Law*, Oceana Publications, 1979; Haritini Dipla, *Le régime juridique des îles dans le droit international de la mer*, Presses Universitaires de France, 1984; Jayewardene, Hiran W., *The Regime of Islands in International Law*, Martinus Nijhoff Publishers, 1990; Sean D. Murphy, "International Law Relating to Islands", *Collected Courses of the Hague Academy of International Law*, Vol. 386, 2017, pp. 9-265; Schofield, Clive, *The Regime of Islands Reframed: Developments in the Definition of Islands under the International*, Brill, 2019; Symmons, Clive, *The Maritime Zones of Islands in International Law*, Martinus Nijhoff, 1979.

۲۱. برای بررسی پیشینه تاریخی تعریف جزیره در کنوانسیون‌های دریای سرزمینی و حقوق دریاها، ن. ک. Kolb, *op.cit.*, pp. 880-94; Shofield, *op.cit.*, pp. 5-8.

۲۲. *Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia)*, ICJ Reports 2012, para. 37. [hereinafter "*Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia)*"]

۲۳. منظور از «عارضه دریایی» (Maritime Feature) هر عارضه طبیعی یا انسان‌ساخت در دریاست که در نقشه‌های دریایی ثبت شده باشد. در این خصوص، ن. ک.:

Walker, George K., *Definitions for the Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 2012, p. 191.

۲۴. *Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia)*, *op.cit.*, para. 37; *The South China Sea Arbitration*, *op.cit.*, para 481.

محاط در آب دریا از مواد جامد تشکیل شده و به بستر دریا وصل باشد و در هنگام مد دریا در بالای آب قرار گیرد، از نظر حقوقی جزیره محسوب می‌شود.^{۲۵} در این راستا نام جغرافیایی عارضه دریایی نیز اثری در ماهیت حقوقی آن ندارد.^{۲۶} اما ویژگی اساسی جزایر که آن‌ها را از دیگر عوارض دریایی متمایز می‌سازد این است که جزیره «هنگام مد، بالای سطح آب قرار می‌گیرد». بنابراین، چنانچه یک عارضه دریایی هنگام مد، زیر سطح آب قرار بگیرد، از نظر حقوقی نمی‌توان آن را جزیره دانست.^{۲۷}

چنان که قبلاً ذکر شد، بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون با اشاره به «صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند»، آن‌ها را فاقد منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اعلام می‌کند. نکته اساسی که باید در مورد بند ۳ در نظر داشت این است که بند مذکور، استثنایی بر بند ۲ ماده ۱۲۱ است که مقرر می‌کند «جزیره»، بدان گونه که در بند ۱ ماده ۱۲۱ تعریف شده، از دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری، اقتصادی و فلات قاره برخوردار است. بنابراین آنچه در بند ۳ «صخره» خوانده شده، نوعی جزیره است و باید دارای ویژگی‌های تعریف جزیره در بند ۱ باشد اما این نوع جزیره به لحاظ نداشتن سکونت انسانی و حیات اقتصادی، از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره محروم می‌شوند. این نکته در رأی دیوان داوری دریای چین جنوبی مورد تأکید قرار گرفته^{۲۸} و پیش‌تر نیز درباره آن میان نویسندگان نویسندگان حقوقی اجماع وجود داشت.^{۲۹} آنچه در این باره بحث و نزاع پدید آورده، این است که به لحاظ ابهام در متن بند ۳ ماده ۱۲۱ دقیقاً مشخص نیست کدام جزایر مصداق این بند هستند.

ذکر این توضیح ضروری است که جزایر در اثر فرایندهای طبیعی گوناگون از قبیل فرایندهای آتشفشانی، زمین‌ساختی و رسوب‌گذاری پدید می‌آیند. از نظر ترکیب زمین‌شناختی، جزایر از موادی مانند سنگ، شن، ماسه و مرجان تشکیل می‌شوند. برای توضیح بیشتر در این خصوص، ن.ک:

Baldacchino, Godfrey, *The Routledge International Handbook of Island Studies*, Routledge, 2018, pp. 1-51.

25. *Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia)*, *op.cit.*, para. 37.

۲۶. ذکر این توضیح ضروری است که غالباً نام جغرافیایی عوارض دریایی به صورت اضافه اسمی است که اصطلاحاتی همچون «جزیره» (Island)، «جزیرک» (Isle)، «جزیرکجه» (Islet)، «صخره» (Rock) و «آبسنگ» (Reef) به صورت مضاف در ترکیب اضافی به کار می‌رود. اما این اصطلاحات به خودی خود ماهیت حقوقی عارضه دریایی را نشان نمی‌دهند. در این خصوص، ن.ک:

The South China Sea Arbitration, *op.cit.*, para. 382.

۲۷. دیوان داوری دریای چین جنوبی در رأی خود بارها از عبارت «عارضه مدی» (High-Tide Feature) برای اشاره به جزایر استفاده کرده و این عبارت را با جزیره یکسان دانسته است. ن.ک:

The South China Sea Arbitration, *op.cit.*, at para. 480.

28. *Ibid.*, para. 481.

29. Charney, *op.cit.*, p. 864; Dipla, *op.cit.*, pp. 48-9; Kolb, *op.cit.*, p. 904; Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, p. 150; Oude Elferink, *op.cit.*, p. 59.

۱-۲. اثر جزایر در تعیین حدود مناطق دریایی

از دیرباز در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است که دولت‌ها همان‌گونه که بر بخش‌هایی از قاره‌ها به‌عنوان قلمرو سرزمینی خود حاکمیت دارند، می‌توانند بر جزایر نیز حاکمیت سرزمینی داشته باشند.^{۳۰} در واقع، جزایر یک کشور، بخشی از قلمرو زمینی آن کشور محسوب می‌شوند.^{۳۱} به همین لحاظ از دیرباز پذیرفته شده بود که جزایر یک کشور، مانند سرزمین اصلی دارای دریای سرزمینی هستند که گرداگرد جزیره قرار می‌گیرند. این قاعده عرفی در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون دریای سرزمینی انعکاس یافته است. همچنین به دلالت ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در خصوص فلات قاره، هر جزیره، از فلات قاره نیز برخوردار است. در همین راستا بود که در بند ۲ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر شد «جز در موارد مقرر در بند ۳، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره یک جزیره، برابر مقررات قابل اعمال این کنوانسیون بر سایر قلمروهای زمینی تعیین می‌شود». به تأیید رویه قضایی، قاعده مندرج در بند ۲ ماده ۱۲۱ خصیصه عرفی داشته و اندازه جزیره نیز اثری در تعلق مناطق دریایی به آن ندارد.^{۳۲} بدیهی است که که بنابر مفهوم قید استثنای بند ۲ ماده ۱۲۱ و مدلول بند ۳ این ماده، صخره‌هایی که قادر به حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود نیستند، فقط دارای دریای سرزمینی و منطقه نظارت هستند. آنچه درباره بند ۲ ماده ۱۲۱ گفته شد، اهمیت جزایر را برای کشورهای ساحلی نمایان می‌سازد. چنانچه مناطق دریایی یک جزیره متعلق به یک کشور ساحلی با مناطق دریایی کشور دیگری تداخل نداشته باشد، فضاهای دریایی پهناوری را نصیب آن کشور می‌کند.^{۳۳} در وهله نخست، هر جزیره دارای دریای سرزمینی به عرض ۱۲ مایل دریایی پیرامون خود است که در

30. *Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain (Qatar v. Bahrain)*, ICJ Reports 2001, para 204 [hereinafter "*Maritime Delimitation and Territorial Questions (Qatar v. Bahrain)*"]; *Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia)*, *op.cit.*, para. 26

31. در جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون حقوق دریاها به حاکمیت کشورهای متعاقد بر «قلمرو زمینی قاره‌ای و جزیره‌ای» (Continental or Insular Land Territory) آنان اشاره شده و هرگونه اختلاف در این خصوص از شمول آیین‌های حل اختلاف کنوانسیون خارج شده است. این تأکید از آن روست که موضوع حاکمیت بر جزایر اساساً از حوزه حقوق دریاها خارج بوده و تابع اصول و قواعد حقوق بین‌الملل درباره تحصیل سرزمین است. برای توضیح بیشتر در این خصوص، ن.ک:

Murphy, *op.cit.*, pp. 77-123

32. *Maritime Delimitation and Territorial Questions (Qatar v. Bahrain)*, *op.cit.*, para. 185.

33. ذکر این نکته نیز لازم است که جزایر در تعیین خط مبدأ مناطق دریایی سرزمین اصلی کشورهای ساحلی نیز نقش دارند. به دلالت ماده ۷ کنوانسیون، چنانچه حاشیه‌ای از جزایر در مجاورت مستقیم ساحل قرار داشته باشد، می‌توان از آن‌ها به‌عنوان نقاط مبنا برای ترسیم خطوط مبدأ مستقیم بهره برد. برای توضیح بیشتر، ن.ک: صیرفی، ساسان؛ «خط مبدأ مناطق دریایی با نگاه ویژه به خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان، رساله دکتری رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲، صص ۲۳۱-۲۲۶». همچنین، ن.ک:

Jayewardene, *op.cit.*, pp. 43-88.

فرض عدم تداخل، منطقه‌ای به مساحت تقریبی ۴۵۲ مایل مربع دریایی (۱۵۵۰ کیلومتر مربع) از دریا را تحت حاکمیت کشور ساحلی در می‌آورد. اما مهم‌تر اینکه یک «جزیره کامل»، دارای منطقه انحصاری اقتصادی به عرض ۲۰۰ مایل دریایی پیرامون خود است که در فرض عدم تداخل، فضای دریایی به مساحت تقریبی ۱۲۵۶۴۴ مایل مربع دریایی (۴۳۱۰۰۰ کیلومتر مربع) را در بر می‌گیرد.^{۳۴} این در حالی است که بستر و زیربستر همین فضای دریایی به‌عنوان فلات قاره کشور ساحلی محسوب می‌شود که البته می‌تواند طبق شرایط ماده ۷۶ کنوانسیون خارج از منطقه ۲۰۰ مایل دریایی نیز گسترش پیدا کند.^{۳۵}

افزون بر ایجاد مناطق دریایی برای کشورهای ساحلی، باید به نقش اساسی جزایر در تعیین حدود مناطق مذکور بین کشورهای دارای سواحل مقابل و مجاور اشاره کرد. نتیجه ضروری تعلق مناطق دریایی به جزایر این است که در صورت تداخل مناطق دریایی جزیره متعلق به یک کشور با مناطق دریایی ناشی از قلمرو قاره‌ای یا جزیره‌ای یک کشور مقابل یا مجاور، باید این جزیره در تعیین حدود بین دو طرف لحاظ شود که البته سبب افزایش سهم کشور صاحب جزیره از منطقه مورد تعیین می‌شود.^{۳۶} بنابراین، وجود جزیره برای کشوری که بر آن حاکمیت دارد، امتیازی کلیدی در فرایند تعیین حدود محسوب می‌شود، چندان که غالباً بخش زیادی از مذاکرات مربوط به معاهدات تعیین حدود دریایی و نیز دفاعیات مطروح در دعاوی تعیین حدود دریایی نزد محاکم بین‌المللی، ناظر به تعیین اثر جزایر در ترسیم خط مرز دریایی است.^{۳۷} اثر جزایر در تعیین حدود دریایی، وجه دیگری از اهمیت بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون نیز هست؛ از آنجا که صخره‌های موضوع بند یادشده از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره محروم هستند، منطقی

34. Schofield, *op.cit.*, p. 9.

35. برای توضیح، ن.ک: صیرفی، ساسان؛ «تعیین حد خارجی فلات قاره: بررسی ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاهای»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۲۵، شماره ۱، ۱۳۹۴، صص ۱۴۸-۱۳۳.

36. علی‌القاعده نقش جزیره در تعیین مرزهای دریایی در مواردی است که از روش «خط هم‌فاصله» (Equidistance Line) برای این منظور استفاده می‌شود؛ بدین ترتیب که جزیره به‌عنوان نقطه مبنا در ترسیم خط هم‌فاصله لحاظ می‌شود. اثر جزیره در ترسیم خط هم‌فاصله به‌صورت «اثر کامل» (Full Effect)، «اثر نصف» (Half Effect)، «اثر جزئی» (Partial Effect) یا «بدون اثر» (No Effect) است. در عین حال، در مواردی که از روش خط هم‌فاصله در تعیین مرز دریایی استفاده نمی‌شود نیز جزایر با اعمال شیوه‌هایی همچون ترسیم «دایره بیرونی» (Enclaving) در تعیین حدود لحاظ می‌شوند. برای توضیح بیشتر در این خصوص، ن.ک:

Jayewardene, *op.cit.*, pp. 259-531; Murphey, *op.cit.*, pp. 168-208.

37. در دعاوی تعیین حدود دریایی نزد مراجع قضایی و داوری، به‌ویژه در روش معروف به «تعیین حدود سه مرحله‌ای» (Three-Stage Delimitation) جزایر، هم از حیث ترسیم خط هم‌فاصله و هم از حیث تعدیل این خط به‌عنوان یکی از «کیفیات مؤثر» (Relevant Circumstances) در فرایند تعیین حدود اثر دارند. برای توضیح، ن.ک:

Lando, Massimo, *Maritime Delimitation as a Judicial Process*, Cambridge University Press, 2019, pp. 150-6 and 178-92.

این نوع جزایر نمی‌توانند در تحدید حدود این مناطق لحاظ شوند.^{۳۸} رویه قضایی نیز این نکته را تأیید کرده است.^{۳۹}

۲. پیشینه تاریخی، ابهامات متنی و جایگاه عرفی بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها

ابهامات متنی بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون، سبب پرسش‌ها و چالش‌های گوناگون درباره مفاد این بند شده است. این ابهامات از فرایند تدوین این بند در جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها ناشی می‌شود؛ لذا پیش از بررسی ابهامات مذکور، نگاهی کوتاه به پیشینه تاریخی این بند، مفید به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، با لحاظ اینکه بند ۳ ماده ۱۲۱ نخستین بار در کنوانسیون حقوق دریاها ذکر شده، باید به جایگاه عرفی این بند نیز پرداخت.

۲-۱. پیشینه تاریخی بند ۳ ماده ۱۲۱

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، تعریف جزیره در بند ۱ ماده ۱۲۱ کنوانسیون، عیناً تکرار بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو است اما بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۲۱ در جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها به این ماده افزوده شده است. با این وصف، مذاکرات مربوط به تنظیم این دو بند، به‌ویژه بند ۳ در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. توضیح اینکه متن ماده ۱۲۱ اساساً حاصل مذاکرات کمیته دوم کنفرانس سوم حقوق دریاها در نشست‌های دوم (کاراکاس - ۱۹۷۴) و سوم (ژنو - ۱۹۷۵) این کنفرانس است.^{۴۰} در جریان مذاکرات کمیته دوم کنفرانس در نشست ۱۹۷۴ کاراکاس، به‌سهولت

38. Cafilisch, Lucius, "The Delimitation of Marine Spaces" in Rene-Jean Dupuy and Daniel Vignes (eds.), *Handbook on the New Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 1991, Vol. 2, p. 471; Murphy, *op.cit.* p. 176; Karagiannis, *op.cit.*, pp. 614-5; Schofield, Clive, "Islands or Rocks - Is that the real question? The Treatment of Islands in the Delimitation of Maritime Boundaries" in Myron H. Nordquist, et al. (eds.), *The Law of the Sea Convention: US Accession and Globalization*, Martinus Nijhoff, 2012, pp. 335-6. Symmons, *op.cit.*, pp. 164-5.

برای ملاحظه نظر مخالف، ن.ک:

Charney, *op.cit.*, p. 874.

39. *Sovereignty and Maritime Delimitation in the Red Sea (Eritrea/Yemen)*, Second Stage: Maritime Delimitation, Award of 17 December 1999, Reports of International Arbitral Awards, Vol. XXII, pp. 335-410, at paras. 147-8; *Maritime Delimitation in the Black Sea (Romania v. Ukraine)*, ICJ Reports (2009), paras. 180, 184 and 187; *Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia)*, *op.cit.*, para. 180; *Maritime Delimitation in the Caribbean Sea and the Pacific Ocean (Costa Rica v. Nicaragua)*, ICJ Reports (2018), paras. 113 and 140.

40. *Regime of Islands: Legislative History*, *op.cit.*, p. 22.

لازم به ذکر است که در جریان نشست کاراکاس، چندین پیش‌نویس مواد در خصوص رژیم جزایر از سوی کشورهای مختلف از جمله یونان، ترکیه، رومانی و گروهی از کشورهای آفریقایی، معروف به «پیش‌نویس کشورهای آفریقایی» (African States' Draft) ارائه شد. ن.ک:

Ibid., pp. 31-51.

در خصوص تعلق دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره به جزایر، اجماع حاصل شد. با این حال، ورود دو تأسیس جدید منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه بستر بین‌المللی دریاها به کنوانسیون، این فکر و نظر را مطرح کرد که باید بین جزایر از حیث تعلق منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره قائل به تفکیک شد. هیئت‌های نمایندگی حامی این نظر چنین استدلال می‌کردند که نمی‌توان پذیرفت برخی کشورها به لحاظ حاکمیت یا ادعای حاکمیت بر جزایر غیرمسکونی کوچک و دورافتاده، قسمت‌های وسیعی از دریاها را به مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره خود تبدیل کرده و از این طریق دریای آزاد و منطقه بستر بین‌المللی دریاها را که مشترکات عمومی جامعه جهانی محسوب می‌شوند، تقلیل دهند یا از چنین جزایری برای تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره خود بهره بگیرند.^{۴۱} در مقابل، برخی نمایندگان با تفکیک بین جزایر مخالف بودند، بدین استدلال که به لحاظ تنوع جزایر عملاً نمی‌توان به معیارهای دقیق و روشنی در این خصوص رسید.^{۴۲} برای حل اختلاف فوق، در جریان نشست ۱۹۷۵ ژنو، یک گروه مشورتی غیررسمی معروف به «گروه شماره ۱۱» در کمیته دوم کنفرانس تشکیل شد که متن کنونی بند ۳ ماده ۱۲۱ ثمره کار آن است. از آنجا که سوابقی از مذاکرات گروه مشورتی غیررسمی حفظ نشده، مشخص نیست که متن بند ۳ چرا و چگونه به صورت کنونی درآمده اما آنچه مسلم است این که هدف تنظیم‌کنندگان بند مزبور این بوده است که دیدگاه‌های دو گروه یادشده را با هم جمع کنند.^{۴۳}

با این همه، ابهام در عبارات بند ۳ ماده ۱۲۱ و اینکه بسیاری از کشورها، از جمله ایران،^{۴۴} مخالف تفکیک بین جزایر از حیث تعلق منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بودند، سبب شد که از نشست سوم کنفرانس در ۱۹۷۵ که متن کنونی ماده ۱۲۱ وارد پیش‌نویس کنوانسیون شد، تا واپسین نشست کنفرانس در ۱۹۸۲، اصلاحیه‌های متعددی برای حذف، تغییر یا تکمیل بند ۳

41. *The South China Sea Arbitration, op.cit.*, paras. 527-9.

42. *Ibid.*, para. 530.

43. *Ibid.*, para. 532.

متن ماده ۱۲۱ در پایان نشست ژنو به‌عنوان جمع‌بندی مذاکرات گروه شماره ۱۱ از سوی آندرس آگیلار، رئیس کمیته دوم در نخستین نسخه پیش‌نویس کنوانسیون که به «سند مذاکراتی واحد غیررسمی» (Informal Single Negotiating Text) معروف است، درج شد. برای توضیح بیشتر درباره مذاکرات نشست‌های دوم و سوم کنفرانس حقوق دریاها درباره رژیم جزایر، ن.ک: *Dipla, op.cit.*, pp.40-2; *Franckx, op.cit.*, pp. 107-13; *Kolb, op.cit.*, pp. 886-894.

44. برای ملاحظه مواضع ایران در خصوص ماده ۱۲۱، ن.ک: *Regime of Islands: Legislative History, op.cit.*, para. 76 (b) at p. 97, para. 84 (b) at p. 103 and para.87 (s) at p. 108.

باید توجه داشت که اگرچه فکر تفکیک جزایر از حیث تعلق منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره برای حفظ دریای آزاد و بستر بین‌المللی دریاها مطرح شده بود، مواضع کشورهایمانند ایران، رومانی و ترکیه در این خصوص ناشی از دغدغه آن‌ها در خصوص اثر این تفکیک بر تحدید حدود مرزهایی دریایی آنان بود. چنان که خواهد آمد، این نکته به‌وضوح در اعلامیه تفسیری ایران منعکس شده است.

این ماده پیشنهاد شود.^{۴۵} مضمون بسیاری از این اصلاحیه‌های پیشنهادی نیز این بود که معیار تفکیک جزایر، مساحت آن‌ها باشد به طوری که تنها جزایر بسیار کوچک مشمول استثنای بند ۳ شوند. اما همه تلاش‌ها برای حذف، تغییر یا تکمیل بند ۳ ماده ۱۲۱ شکست خوردند.^{۴۶} هنگامی که در نشست یازدهم کنفرانس در ۱۹۸۲ برای آخرین بار پیشنهاد حذف بند ۳ از سوی نماینده انگلستان مطرح شد، نماینده دانمارک در دفاع از این بند چنین بیان داشت که: «بدون بند ۳ جزایر کوچک و بی‌ارزشی که در گذشته صرفاً مانع تردد کشتی‌ها تلقی می‌شدند، به طور معجزه‌آسا به کلید طلایی کسب مناطق دریایی پهناور [برای کشورها] تبدیل می‌شوند و این پیامدی ناخواسته و غیرقابل قبول برای [کنوانسیون] جدید حقوق دریاها خواهد بود».^{۴۷} با این نگاه بود که بند ۳ ماده ۱۲۱ به صورت کنونی در متن نهایی کنوانسیون درج شد.

بنابر نظر دیوان داوری دریای چین جنوبی، از تاریخچه مذاکرات بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون سه نکته استنباط می‌شود: نخست اینکه بند مذکور، استثنایی بر قاعده مقرر در بند ۲ این ماده است و باید به طور محدود تفسیر شود. دوم اینکه هدف و منظور از بند یادشده این بوده است که از توسعه افزون‌خواهانه مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره کشورها و تعدی به بستر بین‌المللی دریاها جلوگیری شود. سوم اینکه به لحاظ تنوع جغرافیایی جزایر، تنظیم‌کنندگان ماده ۱۲۱ معیارهای دقیق و روشنی برای تشخیص «صخره‌های» موضوع بند ۳ از سایر جزایر موضوع بند ۱ این ماده پیش‌بینی نکرده‌اند.^{۴۸}

۲-۲. ابهامات متنی بند ۳ ماده ۱۲۱

چنان که قبلاً اشاره شد، در بند ۳ ماده ۱۲۱ چنین آمده است: «صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند، منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره نخواهند داشت». این متن، سوالات فراوانی را مطرح می‌کند. در وهله نخست، واژه «صخره»^{۴۹} در این بند ابهام دارد. آیا منظور، «صخره» یا «تخته‌سنگ»^{۵۰} در مفهوم زمین‌شناختی این کلمه

۴۵. برای ملاحظه بیانات و اصلاحیه‌های پیشنهادی نمایندگان کشورهای مختلف در مورد ماده ۱۲۱ کنوانسیون در نشست‌های سوم تا یازدهم کنفرانس سوم حقوق دریاها، ن.ک:

Regime of Islands: Legislative History, op.cit., paras. 41-97 at pp. 81-113.

۴۶. *The South China Sea Arbitration, op.cit.*, para. 538.

۴۷. *Regime of Islands: Legislative History, op.cit.*, para. 87 (n) at p. 107.

۴۸. *The South China Sea Arbitration, op.cit.*, paras. 527-9.

۴۹. Rock

۵۰. ذکر این توضیح ضروری است که واژه «Rock» که در بند ۳ ماده ۱۲۱ به کار رفته، در فارسی به «صخره»، «تخته‌سنگ» و «سنگ» ترجمه می‌شود که با هم مترادف هستند. ن.ک: آریان‌پور، منوچهر؛ فرهنگ انگلیسی - فارسی، جلد ۶ جهان رایانه امین، ۱۳۸۷، ص ۵۱۰۵ ذیل «Rock»؛ باطبی، محمدرضا؛ فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶، ص ۷۳۱، ذیل «Rock»؛ چگینی؛ همان، ص ۴۴۰، ذیل «Rock»؛ فشارکی، پردخت؛ فرهنگ جغرافیا، چاپ چهارم، امیرکبیر، ۱۳۸۹، ص

است یا هر نوع جزیره‌ای فارغ از ترکیب زمین‌شناختی آن که نتواند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کند، مشمول این بند خواهد شد؟ در این خصوص دو نظر وجود دارد. یک نظر این است که معنی عادی و متداول واژه «صخره/تخته‌سنگ» دلالت بر این دارد که جزیره مورد نظر بند ۳ باید از نظر زمین‌شناسی از جنس «سنگ»^{۵۱} باشد. بنابراین اگر جزیره‌ای از جنس دیگری مانند مرجان، ماسه، شن و رس باشد، مشمول بند یادشده نخواهد شد. مدافعان این برداشت، استدلال‌های متعددی برای تأیید نظر خود دارند. گذشته از معنی عادی و متداول واژه «صخره» که بنابر ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات مبنای تفسیر متن معاهده است،^{۵۲} اگر منظور تدوین‌کنندگان ماده ۱۲۱ این بود که هر جزیره‌ای مشمول بند ۳ شود، باید به جای تعبیر «صخره‌هایی که نمی‌توانند...» تعبیر «جزیره‌هایی که نمی‌توانند...» را به کار می‌بردند. وانگهی بند ۳ ماده ۱۲۱ استثنایی بر بند ۲ بوده و باید تفسیر محدود شود.^{۵۳} مدافعان این برداشت، کارهای مقدماتی ماده ۱۲۱ را نیز مؤید نظر خود می‌دانند؛^{۵۴} از جمله بدین خاطر که واژه «صخره»، نخستین بار به‌عنوان یکی از انواع چهارگانه جزایر در پیش‌نویس کشورهای آفریقایی مطرح شد که در آن صخره این گونه تعریف شد: «یک برآمدگی سنگی به‌طور طبیعی شکل‌گرفته از زمین، که آب پیرامون آن را احاطه کرده و هنگام مد، بالای سطح آب قرار می‌گیرد».^{۵۵}

اما در مقابل، گروهی از نویسندگان معتقدند که بند ۳ ماده ۱۲۱ می‌تواند هر جزیره‌ای را فارغ از ترکیب زمین‌شناختی آن شامل شود. از نظر این گروه باید هدف و منظور بند ۳ را برای تفسیر

۲۸۹، ذیل «Rock». به نظر می‌رسد با لحاظ سیاق عبارات بند ۳ ماده ۱۲۱ واژه «صخره» (مترادف «تخته‌سنگ») در معنی قطعه سنگ بزرگ و سخت، معادل فارسی مناسبی برای ترجمه عبارت «Rocks» در بند یادشده باشد. در این خصوص، ن.ک: انوری، حسن (زیر نظر)؛ فرهنگ سخن، جلد ۵، سخن، ۱۳۸۲، ص ۴۷۰۶، ذیل «صخره»؛ معین، محمد؛ دوره دو جلدی فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ادنا، ۱۳۸۱، ص ۹۸۳، ذیل «صخره».

۵۱. از نظر زمین‌شناختی، سنگ عبارت است از توده متراکم و سختی از مواد معدنی که بخشی از پوسته جامد زمین را تشکیل داده است. ممکن است سنگ از یک ماده معدنی واحد یا چند ماده معدنی مختلف ساخته شده باشد. سنگ‌ها را به سه دسته اصلی تهنشستی (رسوبی)، آذرین و دگرگونی تقسیم می‌کنند. ن.ک: چگینی؛ همان، ص ۴۴۰، ذیل «Rock»؛ فشارکی، همان، ص ۲۸۹، ذیل «Rock». برای توضیح بیشتر درباره تعاریف علمی سنگ، ن.ک:

Prescott and Schfield, *op.cit.*, at pp. 61-2.

۵۲. طبق بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات، «معاهده با حسن نیت و منطبق با معنای عادی که باید به کلمات آن در سیاق عبارت و در پرتو هدف و منظور معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد؛ لذا قاعده بر این است که هر کلمه در متن معاهده، بنابر معنی عادی آن تفسیر شود. برای توضیح بیشتر درباره قاعده معنی عادی، ن.ک: ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق معاهدات بین‌المللی، گنج دانش، ۱۳۸۳، صص ۱۶۶-۱۶۵.

53. Dipla, *op.cit.*, p.38; Jayewardene, *op.cit.*, p. 6.

54. Prescott and Schfield, *op.cit.*, pp. 61-75; Talmon, *op.cit.*, pp. 868-872.

55. Algeria *et al.*: draft articles on the regime of islands, Art. 1 (3), reprinted in *Regime of Islands: Legislative History*, *op.cit.*, para. 33 (j) at p. 48.

آن لحاظ کرد، چنان که ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات نیز مقرر می‌دارد که معنی عادی کلمه «در سیاق عبارت و در پرتو هدف و منظور معاهده» در تفسیر به کار رود.^{۵۶} قبلاً اشاره شد، هدف و منظور از درج بند ۳ در ماده ۱۲۱ این بوده است که جزایر غیرمسکونی کوچک و دورافتاده باعث گسترش مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره به زیان مشترکات عمومی جامعه جهانی نشوند. منطقی نیست که جزایر سنگی از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره محروم شوند اما جزایر مرجانی، شنی و ... ولو بسیار کوچک و فاقد سکونت انسانی و حیات اقتصادی، از این مناطق برخوردار باشند. از نگاه این گروه، این نتیجه آشکارا نامعقول بوده و عدول از معنی ظاهری واژه «صخره/تخته‌سنگ» را طبق ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات توجیه می‌کند.^{۵۷} حامیان این تفسیر نیز کارهای مقدماتی ماده ۱۲۱ را مؤید برداشت خود می‌دانند. از نظر این گروه، منشأ بند ۳ ماده ۱۲۱ پیش‌نویس کشورهای آفریقایی نیست بلکه این بند بر مبنای پیش‌نویس مواد پیشنهادی رومانی^{۵۸} و ترکیه^{۵۹} در نشست کاراکاس تنظیم شده است. در دو پیش‌نویس یادشده پیشنهاد شده است که جزایر کوچک به لحاظ مساحت اندک یا فقدان جمعیت انسانی و حیات اقتصادی از مناطق دریایی محروم شوند.^{۶۰} همچنین باید در نظر داشت که از آنجا که جزایر کوچک غالباً تخته‌سنگ‌هایی هستند که از آب سر بیرون آورده‌اند، واژه «صخره» به هرگونه جزیره کوچک اطلاق می‌شود.^{۶۱} ثمره اینکه از دیدگاه این گروه، واژه «صخره» در بند ۳ ماده ۱۲۱ به معنی جزیره کوچک است.^{۶۲}

گذشته از مفهوم «صخره‌ها»، باید به عبارت «نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند»^{۶۳} پرداخت که آن را تقیید کرده و پرسش‌های متعددی را مطرح می‌کند. و هله نخست این پرسش مطرح می‌شود که برای خروج یک جزیره از شمول بند ۳ آیا لازم است که به‌طور بالفعل دارای سکونت انسانی یا حیات اقتصادی از خود باشد یا ظرفیت بالقوه جزیره برای سکونت انسانی و حیات اقتصادی آن را از شمول این بند خارج می‌کند؟ در حالی که برخی

۵۶. برای توضیح بیشتر درباره نقش سیاق عبارات و هدف و منظور معاهده در تفسیر معاهده، ن. ک. ضیائی بیگدلی؛ همان، صص ۱۶۷-۱۶۶.

57. Karagiannis, *op. cit.*, pp. 564-6; Kolb, *op. cit.*, p. 904-5.

58. Romania: draft articles on definition of and regime applicable to islets and islands similar to islets reprinted in *Legislative History, op. cit.*, para. 33 (g) at p. 40.

59. Turkey: draft articles on the regime of islands reprinted in *ibid.*, para. 33 (h) at p. 43.

60. Franckx, *op. cit.*, pp. 114-15; Kolb, *op. cit.*, p. 905; Kwiatkowska and Soons, *op. cit.*, pp. 151-3.

61. Jayewardene, *op. cit.*, p. 6.

62. Karagiannis, *op. cit.*, pp. 566-8.

۶۳. عبارت در متن انگلیسی کنوانسیون حقوق دریاها این‌گونه ذکر شده است:

Rocks which cannot sustain human habitation or economic life of their own shall have no exclusive economic zone or continental shelf.

نویسندگان معتقدند که باید وضع کنونی جزیره را ملاک تشخیص قرار داد.^{۶۴} دیگران بر این باورند که عبارت «نمی‌توانند» دلالت بر این دارد که ظرفیت بالقوه جزیره برای سکونت انسانی یا حیات اقتصادی کافی است تا از شمول بند ۳ ماده ۱۲۱ خارج شود.^{۶۵} در این راستا، همین نویسندگان معتقدند که سابقه سکونت انسانی یا حیات اقتصادی در گذشته می‌تواند دلیلی بر اثبات ظرفیت جزیره در این خصوص باشد.^{۶۶} در حالی که گروه نخست معتقدند اینکه سکونت انسانی یا حیات اقتصادی در گذشته در یک جزیره وجود داشته و اینک متوقف شده، نشان می‌دهد که جزیره قادر به حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی در خود نیست.^{۶۷} نکته جالب اینکه تفسیر گروه دوم از واژه «نمی‌توانند» به تفسیر ایران از بند ۳ ماده ۱۲۱ نزدیک است. در بند ۵ اعلامیه تفسیری ایران چنین آمده است: «جزایر کوچک که در دریاها بسته و نیمه‌بسته واقع شده و به‌طور بالقوه قادر به حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود هستند اما به لحاظ شرایط آب و هوایی، کمبود منابع یا محدودیت‌های دیگر هنوز توسعه نیافته‌اند، مشمول بند ۲ ماده ۱۲۱ [کنوانسیون حقوق دریاها] در خصوص «رژیم جزایر» هستند و بنابراین اثر کاملی در تعیین حدود مرزهای مناطق دریایی گوناگون کشورهای ساحلی ذی‌نفع خواهند داشت».^{۶۸} اعلامیه تفسیری ایران مورد استناد نویسندگان مدافع برداشت دوم نیز قرار گرفته،^{۶۹} هرچند از آن انتقاد شده که دامنه این تفسیر بدون دلیل موجه به جزایر واقع در دریاها بسته و نیمه‌بسته محدود شده است.^{۷۰}

افزون بر آنچه گذشت، دو عبارت «سکونت انسانی» و «حیات اقتصادی خود» نیز سؤالات گوناگونی را مطرح می‌کنند زیرا معنی دقیق این دو عبارت نیز مشخص نیست. در خصوص عبارت «سکونت انسانی»، مسئله اساسی این است که موارد متعددی وجود دارد که کشور مالک جزیره‌ای که سابقه سکونت انسانی ندارد، گروهی از افراد را در جزیره ساکن می‌کند. برای نمونه، تعدادی از نیروهای نظامی یا انتظامی خود را، با احداث تأسیسات نظامی مانند پاسگاه، پایگاه و فرودگاه، در جزیره مستقر می‌کند یا تأسیساتی همچون فانوس دریایی یا ایستگاه هواشناسی را با تعداد اندکی از کارکنان در جزیره بنا می‌کند. در این گونه موارد، ساکنان جزیره به‌صورت چرخشی و در طول مدت مأموریت خود در جزیره حضور دارند و برای سکونت در جزیره نیز نیازمند

64. Karagiannis, *op.cit.*, pp. 578-9; Kolb, *op.cit.*, pp. 905-6.

65. Karagiannis, *op.cit.*, p. 573; Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, pp. 160-3.

66. Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, p. 161.

67. Kolb, *op.cit.*, p. 905.

68. Iran's Interpretive declaration upon signature, para. 5 reprinted in Worster, *op.cit.*, pp. 313-4.

69. Karagiannis, *op.cit.*, p. 579; Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, p. 162, fn. 65. Franckx, *op.cit.*, p. 115, fn. 106.

70. Karagiannis, *op.cit.*, p. 579.

دریافت تدارکات از خارج جزیره هستند. آیا در این فرض می‌توان جزیره را قادر به حفظ سکونت انسانی دانست؟ برخی از نویسندگان با استناد به گزارش کمیسیون سازش تحدید حدود فلات قاره بین یان ماین و ایسلند (از این پس «کمیسیون سازش یان ماین») این‌گونه سکونت انسانی را برای خروج جزیره از شمول بند ۳ ماده ۱۲۱ کافی می‌دانند؛^{۷۱} بدین توضیح که کمیسیون مذکور، جزیرهٔ نروژی یان ماین را طبق بند ۲ ماده ۱۲۱ کنوانسیون دارای منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره تشخیص داده بود^{۷۲} در حالی که تنها افراد حاضر در این جزیره، پرسنل نظامی نروژ هستند که پایش یک ایستگاه هواشناسی را به عهده دارند.^{۷۳} اما در مقابل، دیگران معتقدند که صرف حضور گروهی از افراد در یک جزیره کافی نیست و سکونت انسانی به معنی اجتماع انسانی پایدار در جزیره است.^{۷۴} از نظر کُلب، سکونت انسانی به معنی «گروه انسانی ریشه‌دار و سازمان‌یافته‌ای» است که به‌طور ثابت در جزیره زندگی می‌کنند؛ لذا نمی‌توان حضور افرادی را که برای انجام خدمت نظامی یا وظایف اداری موقتاً در یک جزیره ساکن شده و قصد اقامت دائم ندارند، سکونت انسانی تلقی کرد.^{۷۵}

ابهام دربارهٔ معیار «حیات اقتصادی خود» حتی بیشتر به نظر می‌رسد، چون معلوم نیست چه نوع فعالیت اقتصادی برای تحقق این شرط کافی است. آیا ضروری است که فعالیت اقتصادی جنبهٔ تجاری یا تولیدی داشته باشد؟ آیا وجود یک فانوس دریایی یا ایستگاه هواشناسی در جزیره نیز فعالیت اقتصادی تلقی می‌شود؟ به‌ویژه قید «خود» در این عبارت ابهام‌آفرین است. آیا این قید بدین معنی است که حیات اقتصادی جزیره باید کاملاً خودبسنده و مستقل باشد؟ در این صورت به‌سختی می‌توان جزیره‌ای را یافت که قادر به حفظ حیات اقتصادی خود باشد. اما چه میزان وابستگی به منابع بیرونی قابل پذیرش است؟ آیا جزیره‌ای که فاقد منابع طبیعی آب شیرین است

71. Kwiatkowska and Soons, *op. cit.*, p. 164 and 168; Cf. Karagiannis, *op.cit.*, pp. 572-3.

72. *Conciliation Commission on the Continental Shelf area between Iceland and Jan Mayen*, Report and recommendations to the governments of Iceland and Norway, Decision of June 1981, Reports of International Arbitral Awards, Vol. XXVII (1981), pp. 1-34, at p. 10. [hereinafter "*Jan Mayen Conciliation Commission Report*"].

لازم به ذکر است که جزیرهٔ یان ماین (Jan Mayen) در اقیانوس شمالگان در ۴۸۰ کیلومتر شرقی گروتلند و ۵۷۶ کیلومتر شمال ایسلند واقع شده است. کمیسیون سازش یان ماین طبق موافقت‌نامهٔ ۲۸ مه ۱۹۸۰ نروژ و ایسلند به منظور ارائهٔ پیشنهاد برای تحدید حدود فلات قاره بین یان ماین و ایسلند تشکیل شد. یک دهه بعد، دانمارک نیز برای تحدید حدود فلات قاره و منطقهٔ ماهی‌گیری بین یان ماین و گروتلند علیه نروژ در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامهٔ دعوا کرد. دیوان در رأی خود در این دعوا اشاره می‌کند که از آنجا که خواهان دعوا پذیرفته است که به این جزیره فلات قاره و منطقهٔ ماهی‌گیری تعلق می‌گیرد، موجهی برای اعمال بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون وجود ندارد. در این خصوص، ن.ک:

Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen (Denmark v. Norway), ICJ Reports, (1993), para. 80.

73. Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, p. 164.

74. Van Dyke and Brooks, *op.cit.*, p. 286.

75. Kolb, *op.cit.*, pp. 906-7.

می‌تواند از خود حیات اقتصادی داشته باشد؟ فعالیت اقتصادی باید چه ارتباطی با جزیره داشته باشد تا آن را از شمول بند ۳ ماده ۱۲۱ خارج کند؟ آیا این فعالیت باید با استفاده از منابع طبیعی خود جزیره باشد؟ چنانچه ماهی‌گیران از یک جزیره برای صید منابع آبی پیرامون یا نزدیک آن استفاده کنند، یا در یک جزیره تأسیساتی برای استخراج یا انتقال نفت از میدان‌های فراساحلی احداث شده باشد، آیا می‌توان آن جزیره را قادر به حفظ حیات اقتصادی خود دانست؟ سؤالاتی از این دست از سوی نویسندگان حقوقی درباره عبارت «حیات اقتصادی خود» مطرح شده، بدون اینکه پاسخ دقیقی برای آن‌ها ارائه شود.^{۷۶}

بحث دیگری که همواره درباره بند ۳ ماده ۱۲۱ وجود داشته است، ارتباط دو شرط «سکونت انسانی» و «حیات اقتصادی خود» با یکدیگر است. در متن بند ۳ ماده ۱۲۱ این دو عبارت با حرف ربط «یا» به یکدیگر پیوند داده شده‌اند. اینک پرسش این است که آیا یک صخره با داشتن هر یک از این دو شرط از شمول بند یادشده خارج می‌شود یا باید واجد هر دو شرط باشد؟ معنی لفظی حرف ربط «یا»، دلالت بر این دارد که وجود هر یک از این دو شرط، جزیره را از شمول این بند خارج می‌کند.^{۷۷} اما برخی از نویسندگان از این تفسیر دفاع می‌کنند که سکونت انسانی و حیات اقتصادی در یک جزیره با یکدیگر تلازم داشته و نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم تصور کرد چون زندگی اجتماعی و زندگی اقتصادی در عمل واقعیت یکسانی را تشکیل می‌دهند. بنابراین برای خروج یک جزیره از شمول بند ۳ ضروری است که هر دو شرط، اثبات و احراز شود.^{۷۸}

۲-۳. جایگاه عرفی مفاد ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاهای

مسئله دیگر درباره بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون این است که آیا قاعده مندرج در این بند، خصیصه عرفی یافته است؟ اهمیت این مسئله از این رو است که این قاعده در صورت عرفی‌بودن، شامل کشورهای غیرعضو کنوانسیون حقوق دریاهای ایران نیز شده و در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ایران در خلیج فارس نیز قابل اعمال خواهد بود.

پاره‌ای از نویسندگان حقوقی بر این باورند که قاعده مندرج در بند ۳ ماده ۱۲۱ نمی‌تواند قاعده عرفی باشد.^{۷۹} از نظر این گروه، نه تنها پیش از انعقاد کنوانسیون حقوق دریاهای چین قاعده‌ای وجود نداشته، بلکه طی یک دهه قبل از انعقاد کنوانسیون، چندین کشور در مورد جزایر غیرمسکونی خود اعلام فلات قاره و حسب مورد، منطقه انحصاری اقتصادی یا منطقه انحصاری ماهی‌گیری کرده

76. Kolb, *op.cit.*, pp. 907-8; Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, p. 165-73.

77. Franckx, *op.cit.*, pp. 116-7; Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, p. 163-5; Talmon, *op.cit.*, pp. 878-9.

78. Karagiannis, *op.cit.*, pp. 575-6; Kolb, *op.cit.*, p. 906.

79. Karagiannis, *op.cit.*, p. 623; Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, pp. 180-1; Dipla, *op.cit.*, pp. 48-49.

بودند^{۸۰} که تنها در مورد جزیره راکال منجر به اعتراض شده بود.^{۸۱} مهم‌تر اینکه در سال‌های بعد از انعقاد کنوانسیون، کشورهای متعددی در قانونگذاری داخلی خود اعلام منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره کرده‌اند اما در میان آن‌ها به جز مورد استثنایی مکزیک،^{۸۲} هیچ کشور عضو یا غیرعضو کنوانسیون، بین جزایر خود از حیث تعلق منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، قائل به تفکیک نشده است، در حالی که در موارد متعدد، جزایر این کشورها مشمول استثنای بند ۳ ماده ۱۲۱ واقع می‌شوند.^{۸۳} همچنین در مواردی در معاهدات تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، جزایری که به نظر مشمول «استثنای صخره‌ها» می‌رسند، در ترسیم خط مرزی ملحوظ شده‌اند.^{۸۴} با این همه، استدلالات فوق کافی به نظر نمی‌رسند. در مورد رویه دولت‌ها باید در نظر داشت که این رویه در دوران بعد از انعقاد کنوانسیون حقوق دریاها ملاک است زیرا پیش از آن، قاعده مندرج در بند ۳ ماده ۱۲۱ اساساً مطرح نبود. اینکه در قانونگذاری داخلی کشورها بنابر این قاعده، بین جزایر تفکیک نشده، لزوماً به معنی نفی یا نقض قاعده نیست. می‌توان این‌گونه استنباط کرد که کشورهای مورد بحث، جزایر خود را مشمول «استثنای صخره‌ها» نمی‌دانستند. با لحاظ ابهام بند ۳ ماده ۱۲۱ شگفت نیست که هیچ کشوری خود جزایر خود را محروم از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تلقی نکند. معاهدات تحدید حدود نیز نافی این قاعده نیستند زیرا شیوه‌ای که در این معاهدات به کار می‌رود، تابع توافق طرف‌های متعاقد است. در این راستا، اثری که به جزایر طرف‌های متعاقد برای تعیین خط مرز دریایی داده می‌شود، نتیجه توافق آن‌ها است و دلالتی بر اعتقاد حقوقی آنان ندارد، چندان که در بسیاری از معاهدات تحدید حدود، اثر جزایر، به‌طور کامل کاهش داده یا اساساً نادیده گرفته می‌شود.^{۸۵} وانگهی باید در نظر داشت که

۸۰. گذشته از جزیره یان ماین که قبلاً به آن اشاره شد، نمونه‌های مشهور این موارد عبارت‌اند از: تخته سنگ معروف به راکال (Rocall) که در شمال اقیانوس اطلس قرار گرفته و دولت انگلستان مدعی مالکیت آن است؛ صخره مرجانی اوکینوتوروشیما (Okinotorishima) که در اقیانوس آرام واقع شده و به ژاپن تعلق دارد؛ جزیره آوس (Aves Island) واقع در دریای کارائیب که به ونزوئلا تعلق دارد؛ جزیره کلیپرتون (Clipperton Island) واقع در شرق اقیانوس آرام که به فرانسه تعلق دارد. برای توضیح درباره ادعاهای منطقه انحصاری اقتصادی، منطقه انحصاری ماهی‌گیری و فلات قاره درباره این جزایر و جزایر مشابه در سال‌های قبل امضای کنوانسیون حقوق دریاها، ن.ک:

Karagiannis, *op.cit.*, pp. 611-2; Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, pp. 177-8.

۸۱. در مورد اعلام فلات قاره و منطقه ماهی‌گیری پیرامون راکال از سوی انگلستان و اعتراضات دانمارک و ایسلند، ن.ک: Oude Elferink, *op.cit.*, p. 59.

۸۲. در ماده ۵۱ قانون فدرال مکزیک در خصوص دریاها مورخ ۸ ژانویه ۱۹۸۶ آمده است: «جزایر، منطقه انحصاری اقتصادی خود را خواهند داشت، صخره‌هایی که قادر به حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود نیستند، منطقه انحصاری اقتصادی نخواهند داشت». برای ملاحظه متن این قانون، ن.ک:

United Nations, *Law of the Sea: National Legislation on the Exclusive Economic Zone*, United Nations, 1993, pp. 217-24.

83. Kwiatkowska and Soons, *op.cit.*, p. 178.

84. Karagiannis, *op.cit.*, pp. 615-8.

85. *Ibid.* pp. 614-5.

کنوانسیون حقوق دریاها معاهده قانون‌سازی است که مورد پذیرش جهانی قرار گرفته و خود قادر به ایجاد حقوق عرفی است.

فارغ از دیدگاه‌های نظری، رویه قضایی خصیصه عرفی بند ۳ ماده ۱۲۱ را تأیید کرده است. حتی قبل از امضای کنوانسیون حقوق دریاها، کمیسیون سازش یان ماین در گزارش خود نظر داده بود که ماده ۱۲۱ پیش‌نویس کنوانسیون، «وضع کنونی حقوق بین‌الملل را انعکاس می‌دهد».^{۸۶} چنان که قبلاً اشاره شد، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود در قضیه تحدید حدود دریایی بین قطر و بحرین (قطر علیه بحرین)، بند ۲ ماده ۱۲۱ کنوانسیون را قاعده عرفی اعلام کرده بود. دیوان در رأی خود در قضیه اختلاف سرزمینی و دریایی (نیکاراگوآ علیه کلمبیا) ضمن اشاره به رأی پیش‌گفته، بیان می‌کند که قاعده مندرج در بند ۲ مقید به استثنای بند ۳ است، چندان که قید «جز در موارد مقرر در بند ۳» در بند ۲ نیز به وضوح مؤید این معناست. از نظر دیوان، رژیم جزایر «بدان گونه که در ماده ۱۲۱ کنوانسیون ملل متحد در خصوص حقوق دریاها مقرر شده، رژیم یکپارچه را تشکیل می‌دهد و همه مقررات آن، بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است».^{۸۷}

۳. تبیین بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها در رأی داوری دریای چین

جنوبی

چنان که در مقدمه اشاره شد، رأی دیوان داوری دریای چین جنوبی، معتبرترین منبعی است که به تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها پرداخته است. دیوان داوری در این رأی، یکایک واژه‌های عبارت «صخره‌هایی که نمی‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند» تحلیل و پس از بررسی کارهای مقدماتی، سیاق و نیز هدف و منظور بند ۳ ماده ۱۲۱ تفسیر خود را در مورد این بند ارائه کرده است. در این بخش یافته‌های دیوان در این خصوص تبیین خواهد شد.

۳-۱. معنی «صخره»

نخستین مسئله‌ای که در تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون مورد نظر دیوان داوری دریای چین جنوبی قرار گرفته، مفهوم «صخره» است. بنابر عقیده دیوان، منظور از واژه «صخره» در این بند، معنی زمین‌شناختی آن در مفهوم سنگ جامد نیست. از نظر دیوان، محدودکردن این واژه به معنی زمین‌شناختی آن، «نتیجه‌ای نامعقول» در پی دارد زیرا در این صورت باید پذیرفت که هر عارضه مدی از جنس شن، ماسه، گل یا هر چیز دیگری غیر از سنگ، دارای منطقه انحصاری

86. Jan Mayen Conciliation Commission Report, *op.cit.*, p. 10

87. Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia), *op.cit.*, para. 139.

اقتصادی و فلات قاره خواهد بود ولو اینکه قادر به حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی در خود نباشد. این در حالی است که این‌گونه جزایر، ثبات کمتری از جزایر سنگی داشته و ممکن است با گذشت زمان جابه‌جا شده یا در هنگام مد ناپدید شوند.^{۸۸} از نظر دیوان، بند ۳ ماده ۱۲۱، استثنایی بر بند ۲ این ماده است که موضوع آن «جزیره» است و بند ۱ این ماده، جزیره را «منطقه‌ای به‌طور طبیعی شکل‌گرفته از زمین»، فارغ از ترکیب زمین‌شناختی آن تعریف کرده است.^{۸۹} البته می‌توان این استدلال را برای نفی نظر دیوان داوری نیز به کار گرفت زیرا تفسیر دیوان دیوان از واژه «صخره»، تفسیری موسع محسوب می‌شود، حال آنکه جایگاه بند ۳ در ساختار ماده ۱۲۱ به‌عنوان استثنا بر بند ۲ این ماده چنین ایجاب می‌کند که مفاد بند ۳ طبق قاعده تفسیر محدود استثنا، به‌صورت مضیق تفسیر شود.^{۹۰} اما در هر حال، نظر تفسیری دیوان این است که «کاربرد واژه «صخره» [در بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها] مقررات این ماده را به عوارض دریایی ساخته‌شده از سنگ محدود نمی‌کند و ویژگی‌های زمین‌شناختی و زمین‌شکل‌شناختی یک عارضه مدی، در توصیف آن طبق بند ۳ ماده ۱۲۱ مؤثر نیست».^{۹۱}

نکته دیگری که دیوان داوری در این راستا یادآور می‌شود این است که نام یک عارضه، اثری در توصیف آن از حیث بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون ندارد. چنان که قبلاً اشاره شد، عوارض دریایی به‌صورت اضافه اسمی نام‌گذاری می‌شوند. بنابر نظر دیوان، ممکن است در نام یک عارضه دریایی، واژه‌های «جزیره» یا «صخره» به کار رفته باشد؛ همچنان که ممکن است واژه‌های «آب‌سنگ» یا حتی «آبتل» در نام عارضه‌ای به کار رود که هنگام مد، بالای سطح آب قرار می‌گیرند. این اسامی به خودی خود نشان نمی‌دهند که یک عارضه دریایی برای حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود ظرفیت دارد یا خیر و از این رو مؤثر در مقام نیستند.^{۹۲}

۳-۲. معنی «نمی‌توانند ... حفظ کنند»

از نظر دیوان، تعبیر «نمی‌توانند ... حفظ کنند»^{۹۳} در بند ۳ ماده ۱۲۱ بر ظرفیت یک عارضه دریایی برای حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی دلالت دارد؛ لذا اینکه یک عارضه دریایی در

88. *The South China Sea Arbitration, op.cit.*, para. 481.

89. *Ibid.*, para. 480.

۹۰. برای نقد این تفسیر دیوان از واژه «صخره»، ن.ک: سالاری، اسما؛ «وضعیت صخره در حقوق بین‌الملل دریاها با تکیه بر رأی داوری دریای چین جنوبی»، *اقیانوس‌شناسی*، ۱۳۹۹، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۹-۲۸.

91. *The South China Sea Arbitration, op.cit.*, para. 540.

92. *Ibid.*, para. 482.

۹۳. لازم به ذکر است که دیوان دو واژه «Cannot» و «Sustain» را جداگانه تفسیر کرده است. ن.ک: *Ibid.*, paras 483-7.

اما از آنجا که این دو واژه عبارت واحدی را پدید آورده و با هم معنی می‌دهند، در این نوشتار با هم بررسی شده‌اند.

حال حاضر دارای سکونت انسانی یا حیات اقتصادی است یا در گذشته چنین بوده، ملاک نیست. ملاک، ظرفیت عینی عارضه دریا برای سکونت انسانی یا حیات اقتصادی است.^{۹۴} این ظرفیت باید به‌طور موردی ارزیابی شود و معیار کلی نیز برای آن وجود ندارد، هر چند می‌توان عواملی همچون وجود آب آشامیدنی و غذای کافی برای زندگی گروهی درازمدت افراد و نیز آب و هوای جزیره را در این خصوص مدنظر قرار داد.^{۹۵}

نکته اساسی که مورد تأکید مکرر دیوان دآوری قرار گرفته این است که «وضع یک عارضه [از حیث شمول یا عدم شمول بند ۱ ماده ۱۲۱] باید بر اساس ظرفیت طبیعی آن بدون اضافات و تغییرات از بیرون به منظور افزایش ظرفیت حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی تشخیص داده شود».^{۹۶} از نظر دیوان دآوری، شرط ظرفیت حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی، نافی وابستگی به منابع بیرونی است؛ لذا «عارضه‌ای که تنها با دریافت مستمر تدارکات از بیرون، قادر به حفظ سکونت انسانی در خود است، واجد شرایط بند ۳ ماده ۱۲۱ [کنوانسیون حقوق دریاها] نیست؛ همچنان که فعالیت اقتصادی کاملاً وابسته به منابع بیرونی یا استفاده از یک عارضه برای بهره‌برداری [از منابع طبیعی] بدون دخالت مردم محلی، حیات اقتصادی «خود» [آن عارضه] محسوب نمی‌شود».^{۹۷}

۳-۳. معنی «سکونت انسانی»

در خصوص شرط سکونت انسانی در بند ۳ ماده ۱۲۱، عامل اساسی، «غیرموقت بودن سکونت است چندان که بتوان ساکنان عارضه را جمعیت طبیعی آن تلقی کرد که منابع طبیعی منطقه انحصاری اقتصادی [که به جزیره تعلق می‌گیرد] به نفع آن‌ها حفظ می‌شود».^{۹۸} دیوان دآوری در توضیح دیدگاه فوق این‌گونه بیان نظر می‌کند که عبارت «سکونت انسانی» به معنی «سکونت اجتماعی پایدار از مردم در عارضه است که آن را خانه خود دانسته و می‌توانند در آن باقی بمانند».^{۹۹} البته دیوان تأکید می‌کند که لازم نیست این اجتماع انسانی از حیث تعداد افراد، بزرگ باشد بلکه در مورد یک جزیره دورافتاده، حضور چند خانواده می‌تواند کافی باشد. همچنین اقامت فصلی و دوره‌ای گروهی از مردمان کوچ‌نشین در یک عارضه نیز می‌تواند شرط سکونت انسانی را برآورده کند. حتی سکونت مردمی غیربومی در یک جزیره نیز اگر واقعاً به قصد اقامت دائم و

94. *Ibid.*, para. 545.

95. *Ibid.*, para. 546.

96. *Ibid.*, para. 541.

97. *Ibid.*, para. 547.

98. *Ibid.*, para. 542.

99. *Ibid.*

ساختن زندگی در جزیره باشد، برای این منظور کافی است.^{۱۰۰}

۳-۴. معنی «حیات اقتصادی خود»

در تفسیر عبارت «حیات اقتصادی خود»، دیوان داوری بر این نکته تأکید می‌کند که این شرط با سکونت انسانی ارتباط تنگاتنگ دارد. از نظر دیوان، «منظور بند ۳ ماده ۱۲۱ این نیست که عارضه [مورد نظر] ارزش اقتصادی داشته باشد، بلکه باید زندگی اقتصادی را در خود جا داده باشد ... که غالباً ناشی از حیات و معاش یک جمعیت انسانی است که در یک عارضه دریایی ... سکونت دارد».^{۱۰۱} اما قید کلیدی «خود»^{۱۰۲} در این عبارت دلالت بر این دارد که حیات اقتصادی باید برآمده از خود جزیره باشد نه اینکه صرفاً بر دریای سرزمینی پیرامون جزیره یا بستر و زیربستر آن متمرکز باشد. فعالیت اقتصادی که کاملاً وابسته به منابع بیرونی باشد یا استفاده از جزیره به منظور بهره‌برداری از منابع طبیعی دریا بدون دخالت جمعیت محلی جزیره، فاقد ارتباط لازم با جزیره است؛ که این از قید «خود» استنباط می‌شود. همچنین فعالیت‌هایی که برای بهره‌برداری از منابع طبیعی جزیره انجام می‌شود اما منافع آن نصیب جمعیت جای دیگری می‌شود، حیات اقتصادی خود جزیره محسوب نمی‌شود.^{۱۰۳}

۳-۵. معنی حرف ربط «یا»

چنان که قبلاً اشاره شد، در مورد معنی حرف «یا» بین دو عبارت «سکونت انسانی» و «حیات اقتصادی خود» در بند ۳ ماده ۱۲۱ دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. از نظر دیوان داوری این حرف ربط، افاده تساوی و تخییر بین دو شرط می‌کند؛ بدین معنی که یک «صخره» با داشتن هر یک از دو قابلیت «سکونت انسانی» یا «حیات اقتصادی خود»، از شمول بند ۳ ماده ۱۲۱ خارج می‌شود.^{۱۰۴} دیوان برای تأیید نظر خود به این نکته اشاره می‌کند که بند ۳ ماده ۱۲۱ جمله مرکبی است که در آن، هم جمله پایه و هم جمله پیرو ساختار منفی دارد. بنابراین، مفهوم مخالف بند مورد بحث این است که «صخره‌هایی که می‌توانند سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود را حفظ کنند، منطقه انحصاری و فلات قاره خواهند داشت»؛ لذا از دید منطق صوری باید قائل به این شد که وجود هر کدام از دو شرط «سکونت انسانی» و «حیات اقتصادی خود» کافی است تا

100. *Ibid.*

101. *Ibid.*, para. 543.

۱۰۲. لازم به ذکر است که دیوان داوری، قید «خود» (of its own) در بند ۳ ماده ۱۲۱ را اضافه‌شده به عبارت «حیات اقتصادی» و منصرف از عبارت «سکونت انسانی» دانسته است.

103. *Ibid.*

104. *Ibid.*, para. 544.

جزیره از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره برخوردار شود.^{۱۰۵}

نتیجه برداشت فوق این است که ممکن است جزیره‌ای دارای جمعیت انسانی باشد بدون اینکه حیات اقتصادی از خود داشته باشد، همچنان که ممکن است جزیره‌ای بدون جمعیت انسانی، از خود حیات اقتصادی داشته باشد. با این همه، دیوان داوری خود اذعان دارد که این‌گونه تفسیر ظاهری با واقعیت عینی همخوانی ندارد زیرا «فعالیت اقتصادی توسط انسان‌ها انجام می‌شود و انسان‌ها به‌ندرت در جایی سکونت می‌کنند که فعالیت اقتصادی و معاش در آن میسر نباشد؛ لذا دو مفهوم در عمل و فارغ از تفسیر لفظی بند ۳ ماده ۱۲۱ با یکدیگر ارتباط دارند».^{۱۰۶}

دیوان در جمع‌بندی خود از این بحث نیز مجدداً اذعان می‌کند که «عملاً ... یک عارضه دریایی در حالت عادی در صورتی از خود حیات اقتصادی دارد که یک اجتماع انسانی پایدار در آن سکونت داشته باشد».^{۱۰۷} از نظر دیوان، تنها استثنا در این باره، مواردی است که گروهی از جزایر به‌طور سنتی برای زندگی یک جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این صورت ممکن است برخی از جزایر فاقد جمعیت ساکن باشند اما از منابع آن‌ها برای حیات اقتصادی آن جامعه استفاده شود.^{۱۰۸}

۳-۶. نحوه اثبات و احراز ظرفیت حفظ سکونت انسانی و حیات اقتصادی

چنان که قبلاً اشاره شد، از نظر دیوان داوری، آنچه در مورد بند ۳ ماده ۱۲۱ ملاک است، ظرفیت یک جزیره برای حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی در خود است که باید به‌طور موردی احراز شود. در این راستا، مسئله اساسی این است که این ظرفیت چگونه اثبات و احراز می‌شود. از نظر دیوان در پاره‌ای موارد، دلایل و شواهد درباره شرایط عینی و طبیعی جزیره به‌وضوح نشان می‌دهد که عارضه دریایی مشمول استثنای بند ۳ ماده ۱۲۱ است یا از شمول این بند خارج است. چنانچه جزیره غیرمسکونی کاملاً عاری از زندگی گیاهی و منابع آب و غذا برای بقای انسان باشد، واضح است که ظرفیت حفظ سکونت انسانی و حیات اقتصادی در خود را نیز ندارد. در مقابل، مواردی نیز وجود دارد که شرایط طبیعی جزیره به گونه‌ای است که به‌وضوح از چنین قابلیت برخوردار است.^{۱۰۹}

اما در بسیاری موارد، شرایط طبیعی جزیره به گونه‌ای است که نمی‌توان به‌طور قاطع ظرفیت جزیره را برای حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی احراز کرد. از نظر دیوان، در این گونه

105. *Ibid.*, paras. 493-6.

106. *Ibid.*, para. 497.

107. *Ibid.*, para. 544.

108. *Ibid.*

109. *Ibid.*, para. 548.

موارد، سابقه تاریخی جزیره، معتبرترین دلیل برای ظرفیت آن است. چنانچه سابقه تاریخی جزیره نشان دهد که هرگز اجتماع انسانی پایدار در آن وجود نداشته، نتیجه‌گیری منطقی این است که شرایط لازم برای تشکیل چنین اجتماعی وجود نداشته و جزیره ظرفیت حفظ سکونت انسانی را در خود ندارد. البته دیوان تأکید می‌کند که باید در نظر داشت که عوامل بیرونی مانند جنگ، آلودگی و تخریب محیط‌زیست، به سکونت انسانی در جزیره خاتمه نداده باشند.^{۱۱۰}

در مقابل، «دلایل مثبت اینکه به لحاظ تاریخی انسان‌ها در جزیره‌ای زندگی می‌کردند یا جزیره محل فعالیت اقتصادی بوده، می‌تواند دلیل ظرفیت عارضه [برای حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی خود] تلقی شود».^{۱۱۱} البته در این مورد دیوان شرط اساسی را مطرح می‌کند و آن اینکه اگر یک جزیره در گذشته یا در زمان حال دارای جمعیت انسانی بوده یا هست، باید مشخص شود که آیا سکونت در جزیره فقط با حمایت بیرونی ممکن شده بود یا خیر. البته دیوان تأکید می‌کند که صرف روابط تجاری با جهان بیرون مسئله نیست اما اگر حمایت بیرونی به اندازه‌ای باشد که بدون آن ادامه سکونت در جزیره میسر نباشد، نمی‌توان پذیرفت که جزیره ظرفیت حفظ سکونت انسانی در خود را دارد. در این راستا دیوان بر این نکته کلیدی تأکید دوباره می‌کند که «حضور جمعیت [کارکنان] دولتی یا [نیروهای] نظامی که از بیرون تدارکات دریافت می‌کنند، دلیل بر ظرفیت یک عارضه [دریایی] برای حفظ سکونت انسانی در خود تلقی نمی‌شود». برای تأیید برداشت فوق، دیوان داوری یادآور این نکته می‌شود که هدف و منظور از وضع بند ۳ ماده ۱۲۱ این بوده است که از ادعاهای ناعادلانه و افزون‌خواهانه دولت‌ها در خصوص مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره جزایر جلوگیری شود. حال، چنانچه پذیرفته شود که دولت‌ها می‌توانند با استقرار جمعیت انسانی در جزیره‌ای که قبلاً فاقد سکونت انسانی بوده، مدعی مناطق دریایی برای آن جزیره شوند، نافی هدف و منظور بند مورد بحث خواهد بود. از این رو، از نگاه دیوان، ادله وجود سکونت انسانی قبل از ظهور مناطق انحصاری اقتصادی، یا به تعبیر دیگر، قبل از کنفرانس سوم حقوق دریاها، وزن بیشتری از ادله دوران اخیر دارد.^{۱۱۲} طبعاً از نگاه دیوان، آنچه درباره اثبات ظرفیت سکونت انسانی گذشت، درباره حیات اقتصادی جزیره نیز صادق است و باید در وهله نخست مشخص شود که از نظر تاریخی چه استفاده‌ای از جزیره شده است و در وهله بعد به قابلیت حیات اقتصادی جزیره، فارغ از سابقه تاریخی آن پرداخته می‌شود.^{۱۱۳}

نکته دیگری که باید در این خصوص در نظر داشت این است که قاعده مندرج در بند ۲ ماده ۱۲۱ اصل و بند ۳ این ماده، استثنائی بر این اصل است. بنابراین در صورت تردید در اینکه یک

110. *Ibid.*, para. 549.

111. *Ibid.*, para. 484.

112. *Ibid.*, para. 550.

113. *Ibid.*, para.

جزیره مشمول کدام بند است، فرض بر شمول بند ۲ و تعلق منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است و مدعی شمول بند ۳ باید وجود شرایط این بند را اثبات کند. از این حیث این انتقاد به نحوه بیان دیوان داوری دریای چین جنوبی وارد شده است که گویی اصل و استثنا را جابه‌جا کرده است، به گونه‌ای که برای تعلق منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره به یک جزیره، ضروری است که قابلیت حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی در آن اثبات شود.^{۱۱۴}

۴. بازتاب بند ۳ ماده ۱۲۱ در تحدید حدود بین ایران و کشورهای حاشیه خلیج

فارس

وجود جزایر و عوارض متعدد در خلیج فارس، همواره از مسائل اساسی در تحدید حدود دریایی بین کشورهای ساحلی این پهنه بوده است.^{۱۱۵} همچنین تا کنون مرزهای دریایی ایران با عراق، کویت و امارات متحده عربی تحدید حدود نشده است.^{۱۱۶} در این میان، جزایر در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بین ایران و امارات و به‌ویژه ایران و کویت نقشی اساسی دارند.^{۱۱۷} اینک مسئله قابل بحث این است که با لحاظ تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی از بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها، قاعده «استثنای صخره‌ها» چه اثری بر تحدید حدود مرزهای منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بین ایران و دو کشور عربی یادشده خواهد داشت. در بخش پیش رو به این مسئله پرداخته می‌شود.

۱۱۴. سالاری؛ همان، صص ۳۴-۵.

۱۱۵. برای توضیح درباره مرزهای دریایی تحدیدشده و تحدیدنشده در خلیج فارس و نقش جزایر در این خصوص، ن.ک: Carleton, Chris M., "Red Sea/Persian Gulf Maritime Boundaries", in David A. Colson and Robert W. Smith (eds.) *International Maritime Boundaries*, Martinus Nijhoff, Vol. V, 2005, pp. 3471-5; Jayewardene, *op.cit.*, pp. 388, 393-410, 423-4, 426-7, 436-8 and 475; Prescott and Schofield, *op.cit.*, pp. 497-516.

۱۱۶. ذکر این توضیح ضروری است که گذشته از عراق که دارای ساحل مجاور با ایران است، سواحل شش کشور عربی کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان در مقابل ایران قرار دارند؛ چندان که منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ایران در خلیج فارس با این شش کشور تداخل داشته و نیازمند تحدید حدود است. مرزهای فلات قاره ایران و کشورهای عربستان سعودی، بحرین، قطر و عمان با انعقاد چهار موافقت‌نامه تحدید حدود به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۹ (۱۳۴۷)، ۱۹۶۹ (۱۳۴۸)، ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) و ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) تعیین شده است. از آنجا که این چهار معاهده، قبل از کنفرانس سوم حقوق دریاها منعقد شده بودند، موضوع آن‌ها فقط تحدید حدود فلات قاره است اما مرزهای تعیین شده در آن‌ها عملاً به‌عنوان مرزهای مناطق انحصاری اقتصادی نیز اعمال می‌شوند. همچنین به شرحی که خواهد آمد، دو سند برای تحدید حدود فلات قاره بین ایران و امارات حسب مورد، امضا و پیش‌امضا شده اما هنوز لازم‌الاجرا نشده‌اند. برای توضیح بیشتر، گذشته از منابع پانوش قیل، ن.ک: طلایی، همان، صص ۲۵۰-۷.

۱۱۷. ذکر این توضیح ضروری است که چون عراق فاقد جزیره در خلیج فارس است و جزایر ایران نیز اثری در تحدید حدود با این کشور ندارند، در این مقاله به کشور عراق پرداخته نشده است.

۴-۱. تحدید حدود دریایی بین ایران و کویت

از آنجا که فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی ایران و کویت در شمال خلیج فارس با یکدیگر تداخل دارند، دو کشور باید بنابر اصل منعکس در مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاهای، در خصوص تحدید حدود این دو منطقه با یکدیگر توافق کنند. همچنین باید به «منطقه تقسیم‌شده» (سابقاً «منطقه بی‌طرف»)^{۱۱۸} کویت و عربستان سعودی اشاره کرد که ساحل آن در خلیج فارس، مقابل ساحل ایران قرار دارد و از این رو ضروری است که مرزهای دریایی ایران با قسمت کویتی این منطقه نیز تحدید شود.^{۱۱۹} طی شش دهه گذشته، دو دوره مذاکره بین ایران و

۱۱۸. «منطقه تقسیم‌شده» (the Divided Zone) به منطقه‌ای در مرز کویت و عربستان سعودی اطلاق می‌شود که سابقاً به‌عنوان «منطقه بی‌طرف عربستان سعودی و کویت» (the Saudi Arabia-Kuwait Neutral Zone) شناخته می‌شد. این منطقه که بیش از ۵۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد، قبلاً تحت حاکمیت مشترک کویت و عربستان سعودی قرار داشت اما به موجب دو موافقت‌نامه منعقدشده در ۷ ژوئیه ۱۹۶۵ و ۱۸ دسامبر ۱۹۶۹ بین دو کشور تقسیم شد. افزون بر این، کویت و عربستان سعودی به موجب موافقت‌نامه منطقه زیردریایی متصل به منطقه تقسیم‌شده، مورخ ۲ ژوئیه ۲۰۰۰ (از این پس «موافقت‌نامه ۲ ژوئیه ۲۰۰۰») مرز دریایی خود در منطقه فراساحلی منطقه تقسیم‌شده را تعیین کرده‌اند. طبق این موافقت‌نامه، بستر و زیربستر دریا در امتداد ساحل منطقه تقسیم‌شده به دو قسمت تقسیم شده، به‌طوری که قسمت شمالی به کویت و قسمت جنوبی به عربستان سعودی اختصاص یافته است (ن.ک: شکل ۱). در عین حال، طبق ضمیمه موافقت‌نامه یادشده، منابع طبیعی واقع در منطقه فراساحلی در مالکیت مشترک دو کشور قرار دارد. ذکر این نکته ضروری است که موافقت‌نامه ۲ ژوئیه ۲۰۰۰ به موجب موافقت‌نامه متمم ۲۱ دسامبر ۲۰۱۹ بین کویت و عربستان سعودی تکمیل شده است. بنابر بند ۲ ماده ۱ موافقت‌نامه اخیر، مرز دریایی پیش‌بینی‌شده در موافقت‌نامه به‌عنوان مرز دریایی سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره کویت و عربستان سعودی شناخته شده است، هرچند در بند ۳ ماده مذکور بر مالکیت مشترک دو کشور بر منابع طبیعی منطقه فراساحلی تأکید مجدد شده است. شیوه بهره‌برداری از منابع مذکور در یک یادداشت تفاهم که به موافقت‌نامه متمم ضمیمه شده، تعیین شده است. برای ملاحظه متن این موافقت‌نامه، ن.ک:

Agreement between the State of Kuwait and the Kingdom of Saudi Arabia Regarding the Submerged Zone Contiguous to the Partitioned Zone, 2 July 2000, reprinted in *Law of the Sea Bulletin*, No. 46, 2001, pp. 84-6.

برای ملاحظه متن موافقت‌نامه متمم مورخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۹، ن.ک:
Supplementary Agreement to the Agreement between the Kingdom of Saudi Arabia and the State of Kuwait on the Partition of the Neutral Zone and to the Agreement ... concerning the Submerged Area Adjacent to the Divided Zone, 24 December 2019, reprinted in *Law of the Sea Bulletin*, No. 104, 2021, pp. 19-27.

همچنین لازم به ذکر است که ایران به موجب دو یادداشت جداگانه وزارت امور خارجه به کویت و عربستان سعودی، هر دو به تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲ و نیز یادداشت ۸ مه ۲۰۰۲ نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد به مرز دریایی موضوع ماده ۱ موافقت‌نامه ۲ ژوئیه ۲۰۰۰ به لحاظ تجاوز به فلات قاره ایران اعتراض کرده است. برای ملاحظه یادداشت‌های اعتراضی ایران به موافقت‌نامه مورد بحث، ن.ک:

Law of the Sea Bulletin, No. 49, 2002, pp. 68-9.

۱۱۹. طبق ماده ۷ موافقت‌نامه ۲ ژوئیه ۲۰۰۰، کویت و عربستان سعودی متعهد شده‌اند برای تعیین «حد شرقی منطقه فراساحلی منطقه تقسیم‌شده» که در واقع همان مرز بین این منطقه و فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران است، به‌عنوان یک «طرف مذاکره واحد» با ایران مذاکره کنند. اما ایران به موجب یادداشت‌های اعتراضی خود، این موضع را مردود دانسته و معتقد است هرکدام از این دو کشور باید جداگانه درباره قسمت اختصاصی خود در منطقه فراساحلی مذاکره کنند.

کویت برای تعیین حدود دریایی انجام شد. دور نخست مذاکرات در طول دهه ۱۹۶۰ (سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۹ خورشیدی) جریان داشته و در ۱۹۶۸ به توافق اصولی بین طرفین نیز انجامیده بود، هرچند این توافق به انعقاد موافقت‌نامه تعیین حدود منجر نشد. دور دوم مذاکرات دو کشور در نیمه نخست دهه ۲۰۰۰ (سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ خورشیدی) انجام شد اما این مذاکرات نیز به نتیجه نرسید. اگرچه عوامل متعددی در عدم موفقیت دو دوره مذاکرات ایران و کویت مؤثر بودند،^{۱۲۰} در این میان مسئله اثر جزایر دو کشور بر مرزهای دریایی، مسئله کانونی مذاکرات آن‌ها بوده است؛ بدین توضیح که چون سواحل ایران و کویت عمدتاً در مقابل یکدیگر قرار دارند، مبنای مذاکرات طرفین همواره ترسیم نوعی خط میانه (هم‌فاصله) برای تعیین حدود دریایی بین دو کشور بوده است. در همین حال، وجود جزیره خارک ایران در یک سو و جزایر متعدد کویت در سوی دیگر سبب شده مسئله اینکه کدام جزایر به‌عنوان نقطه مبنا در ترسیم خط میانه لحاظ شوند و اینکه چه میزان به آن‌ها اثر داده شود، در هر دو دوره در کانون مذاکرات قرار داشته باشد.^{۱۲۱}

در جریان مذاکرات دهه ۶۰ میلادی برای تعیین حدود فلات قاره ایران و کویت،^{۱۲۲} راهکارهای متعددی برای ترسیم خط میانه مطرح شده بود. راهکاری که در توافق ۱۹۶۸ پذیرفته شده بود، اعطای اثر کامل (صد در صد) به جزیره خارک در سوی ایران و جزیره فیلیکه در سوی کویت بود.^{۱۲۳} از دید مقررات ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها این راهکار صحیح است زیرا هر دو جزیره خارک و فیلیکه همواره دارای جمعیت انسانی بومی بوده و از این حیث «جزیره کامل» محسوب می‌شوند به طوری که همه مناطق دریایی از جمله فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی به آن‌ها تعلق می‌گیرد. اینکه چه اثری به هر یک از این جزایر داده شود، از موضوع این

۱۲۰. از جمله عوامل مؤثر در عدم دستیابی مذاکرات به نتیجه مطلوب می‌توان به مشخص نبودن نقطه تلاقی مرزهای ایران و عراق و کویت اشاره کرد که قاعده‌تاً باید نقطه شروع مرز دریایی ایران و کویت باشد اما به لحاظ عدم تعیین حدود بین ایران و عراق از یک سو و عراق و کویت از سوی دیگر، این نقطه مشخص نشده است. همچنین می‌توان به موضع ایران در خصوص استفاده از خطوط مبدأ مستقیم اشاره کرد که همواره با مواضع متقابل کویت، مسئله تعیین حدود را پیچیده کرده است.

۱۲۱. برای توضیح بیشتر درباره تاریخچه مذاکرات تعیین حدود دریایی بین ایران و کویت، ن.ک: نامی، محمدحسن؛ مسائل مرز دریایی/ایران و کویت، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶، صص ۶۱-۷۰. همچنین، ن.ک:

Asghari, Sohrab, "The Unfinished Case of Iran-Kuwait Maritime Boundary Delimitation" in Pirouz Mojtahed-Zadeh (ed.), *Boundary Politics and International Boundaries of Iran*, Universal Publishers, 2006, pp. 295-304.

۱۲۲. باید در نظر داشت که تا پیش از کنفرانس سوم حقوق دریاها، نهاد منطقه انحصاری اقتصادی هنوز وارد حقوق بین‌الملل نشده بود؛ لذا موضوع دوره نخست مذاکرات ایران و کویت در دهه ۶۰ میلادی، تعیین حدود فلات قاره دو کشور بود.

۱۲۳. نامی، همان، ص ۶۸ همچنین، ن.ک:

Asghari, *op. cit.*, p. 298; Momtaz, Djamchid, "La délimitation du plateau continental du Golfe Persique: une entreprise inachevée" in Lilian del Castillo (ed.), *Law of the Sea, From Grotius to the International Tribunal for the Law of the Sea*, Brill, 2015, pp. 685-97 at p. 691.

نوشتار خارج است؛ لذا به این بسنده می‌شود که در این خصوص قاعده مشخصی وجود ندارد و تابع توافق طرفین است. اما نکته‌ای که درباره توافق ۱۹۶۸ قابل طرح است، بحث دو عارضه فشت‌المواء در سوی ایران و رأس‌الیحی در سوی کویت است. بنابر گزارش پاره‌ای منابع، طرفین پذیرفته بودند که این دو عارضه نیز به‌عنوان نقطه مینا در ترسیم خط میانه لحاظ شوند.^{۱۳۴} فشت‌المواء، آبتل بزرگی مرکب از پشته‌های گل و ماسه است که بعد از دماغه بهرگان در مدخل خور موسی قرار گرفته و بخش‌هایی از آن هنگام جزر از آب خارج می‌شود.^{۱۳۵} رأس‌الیحی نیز نام صخره‌ای بسیار کوچک نزدیک جزیره کویتی عوهه است. این صخره نیز هنگام جزر از آب خارج می‌شود.^{۱۳۶} بنابراین، هر دو عارضه مورد بحث، از نظر حقوق دریاها، برآمدگی جزری محسوب می‌شوند. استنباط از ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق دریاها این است که برآمدگی جزری در تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی لحاظ نمی‌شود اما در عین حال، منعی نیز وجود ندارد که در تحدید حدود معاهده‌ای طرف‌های متعاقد با توافق یکدیگر، این گونه عوارض را در ترسیم خط مرزی ملحوظ کنند. از سوی دیگر، طرح بحث درباره جزیره عوهه نیز ضروری می‌نماید. این جزیره ماسه‌ای بسیار کوچک که در جنوب شرقی جزیره فیلکه واقع شده، فاقد جمعیت انسانی است و تنها یک فانوس دریایی در آن وجود دارد. بنابراین، شکی نیست که این جزیره مشمول بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها بوده و نمی‌تواند در تحدید حدود فلات قاره مناطق انحصاری اقتصادی ایران و کویت منشأ اثر باشد.

دور دوم مذاکرات ایران و کویت در دهه ۲۰۰۰ از جهات مختلف با دور نخست تفاوت داشت. اگرچه موضوع این مذاکرات، تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی دو کشور بود، هدف اصلی طرفین، تعیین سهم هریک از میدان‌های آرش/الدره بود. از سوی دیگر، انعقاد موافقت‌نامه ۲ ژوئیه ۲۰۰۰ و تعیین مرز دریایی کویت و عربستان سعودی در منطقه تقسیم‌شده، سبب مالکیت کویت بر دو جزیره قاروه و ام‌المرادم شد. جزیره قاروه یک جزیره مرجانی شن‌پوش است که تقریباً ۲۰ مایل دریایی با ساحل منطقه تقسیم‌شده فاصله دارد. جزیره ام‌المرادم نیز جزیره‌ای شنی است که تقریباً ۱۴ مایل دریایی با ساحل منطقه تقسیم‌شده فاصله دارد. پیش از موافقت‌نامه ۲ ژوئیه ۲۰۰۰، بین کویت و عربستان سعودی در مورد مالکیت این دو جزیره اختلاف وجود داشت اما در نتیجه موافقت‌نامه یادشده، این دو جزیره در قسمت کویتی منطقه فراساحلی منطقه تقسیم‌شده قرار گرفتند و حاکمیت کویت بر آن‌ها تثبیت شد.^{۱۳۷} از این رو بود

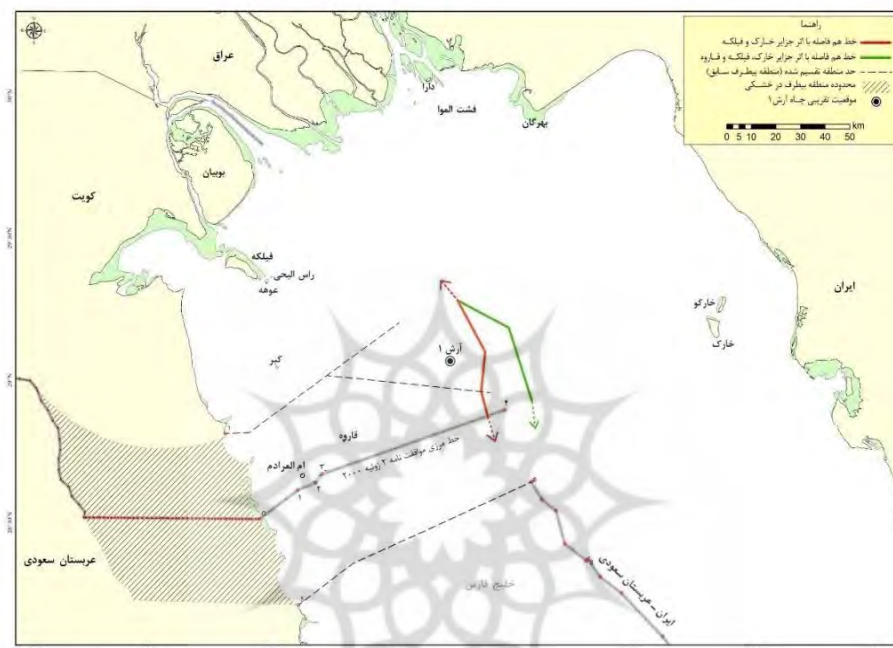
124. Asghari, *op.cit.*, p. 298.

125. National Geospatial-Intelligence Agency, *Sailing Directions(Enroute): Red Sea and the Persian Gulf*, 2020, [hereinafter "US Persian Gulf Sailing Directions"], p. 431.

126. *Ibid.*, p. 415.

۱۲۷. برای توضیح بیشتر درباره مالکیت جزایر قاروه و ام‌المرادم، ن.ک:

که در مرحله دوم مذاکرات ایران و کویت، دولت کویت مدعی شد که جزیره قاروه باید مبنای ترسیم خط میانه بین دو کشور قرار گیرد.^{۱۲۸} این در حالی است که جزیره قاروه به لحاظ موقعیت و فاصله نسبتاً زیاد از ساحل، اثر چشمگیری بر مرز دریایی دو کشور به سود کویت خواهد داشت، چندان که میدان آرش/الدره کاملاً از دسترس ایران خارج خواهد شد (ن.ک: شکل ۱).



شکل ۱ - تحدید حدود دریایی بین ایران و کویت

گذشته از مذاکرات دوجانبه، کویت کوشیده است به طور یک‌جانبه نیز موضع خود در خصوص جزیره قاروه را در برابر ایران تحکیم کند. توضیح اینکه در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۴ با تصویب هیئت وزیران کویت، فرمانی ذیل عنوان فرمان راجع به تعیین حدود مناطق دریایی دولت کویت از سوی نایب امیر این کشور صادر شد.^{۱۳۹} در این فرمان دولت کویت مانند بسیاری از کشورهای ساحلی با قانونگذاری داخلی، مناطق دریایی چهارگانه خود را اعلام و دامنه آن‌ها را مشخص کرده است. مواد ۶ و ۷ این فرمان به منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره کویت در خلیج فارس اختصاص دارد.

Al-Rashidi, Madwis Fallah, "The Legal Status of Garuh and Umm Al-Maradim Islands", *Arab Law Quarterly*, Vol. 19 (2004), pp. 125-146.

128. Prescott and Shofield, *op. cit.*, p. 509.

129. Decree No. 317 Concerning the Delimitation of the Marine Areas Pertaining to the State of Kuwait, 29 October 2014, reprinted in *Law of the Sea Bulletin*, No.89, pp. 20-2.

در هر دو ماده مقرر شده است که در صورت فقدان توافق در خصوص تعیین حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره کویت با کشورهای مجاور و مقابل، خط میانه، حد خارجی منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره کویت محسوب خواهد شد. ناگفته پیداست که منظور از «کشور مقابل»، ایران است. اما مسئله اساسی، نقشه‌ای است که به فرمان یادشده ضمیمه شده است. در این نقشه حدود خارجی منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره کویت در برابر ایران به‌عنوان «خط میانه محاسبه‌شده در غیاب توافق» ترسیم شده است. بنابر تحلیل کارتوگرافیک نقشه یادشده، به نظر چنین می‌رسد است که مبنای ترسیم خط میانه در این نقشه، جزیره قاروه باشد.^{۱۳۰}

بنابر آنچه گذشت، بحث شمول قاعده مندرج در بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها بر جزیره قاروه از اهمیت بسزایی برخوردار است. ظاهراً در جریان مذاکرات دوجانبه دو کشور، ایران با تمسک به همین قاعده، موضع کویت در این خصوص را نپذیرفته بود.^{۱۳۱} به نظر می‌رسد با تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی از بند یادشده، امروز تردیدی درباره درستی نظر ایران باقی نماند. جزیره قاروه بسیار کوچک و همواره به‌عنوان جزیره غیرمسکونی شناخته شده است.^{۱۳۲} در واقع این جزیره به قدری کوچک است که سکونت انسانی عملاً در آن غیرممکن به نظر می‌رسد. البته در دهه‌های اخیر در این جزیره یک برج مخابراتی و یک پاسگاه کوچک برای گارد ساحلی کویت به همراه یک اسکله عمود بر ساحل و یک سکوی فرود بالگرد احداث شده است. تنها ساکنان جزیره، تعدادی اندک از مأمورین گارد ساحلی کویت هستند که در پاسگاه یادشده مستقر بوده و با دریافت تدارکات از خارج جزیره، زیست می‌کنند. بدین ترتیب، بنابر تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی از مفهوم «سکونت انسانی»، شکی نیست که جزیره قاروه طبق مفاد بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون، فاقد منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بوده و از این حیث نباید در تعیین حدود این مناطق لحاظ شود. از آنجا که جزیره قاروه در بین جزایر کویت، بیشترین فاصله را با ساحل این کشور دارد، طبیعی است که دولت کویت بر استفاده از این جزیره برای تعیین حدود دریایی با ایران اصرار داشته باشد. اما با فرض اینکه جزیره قاروه با اعمال قاعده مندرج بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون از فرایند تعیین حدود حذف شود، امکان دارد کویت خواستار آن شود که جزیره ام‌المرادم برای این منظور لحاظ شود. با این وصف، به نظر می‌رسد که این جزیره نیز مشمول قاعده مندرج در بند ۳ ماده ۱۲۱ بوده

^{۱۳۰} برای توضیح بیشتر، ن. ک: راستی، عمران؛ «قلمروسازی‌های ادعایی کویت و هم‌پوشانی با قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس؛ بررسی و تحلیل کارتوگرافیکی قانون و نقشه مناطق دریایی کویت، مصوب ۲۰۱۴»، تحقیقات جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره ۱، ۱۳۹۷، صص ۹۴-۷۷.

¹³¹. Prescott and Shofield, *op.cit.*, p. 509; Ian Townsend-Gault, "Maritime Boundaries in the Arabian Gulf", in Clive H. Schofield, et al (eds), *The Razor's Edge: International Boundaries and Political Geography*, Kluwer Law International, 2002, pp. 223-36 at 231.

¹³². Admiralty Hydrographic Office, *Persian Gulf Pilot*, 1864, p. 134 [hereinafter "British Admiralty Persian Gulf Pilot"]; U.S. Navy Hydrographic Office, *Persian Gulf Pilot*, 1920, p. 150 [hereinafter "US Navy Persian Gulf Pilot"].

و فاقد منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تلقی شود. جزیره ام‌المرادم همواره به‌عنوان جزیره‌ای غیرمسکونی شناخته شده است.^{۱۳۳} از گذشته یک فانوس دریایی در این جزیره وجود داشته و طی دو دهه اخیر تأسیساتی مانند یک پاسگاه گارد ساحلی، یک بندرگاه کوچک و یک سکوی فرود بالگرد در آن احداث شده است. با این همه، تنها ساکنان این جزیره، مأمورین دولتی و انتظامی کویت هستند که اداره تأسیسات یادشده را به عهده داشته و زیست آن‌ها وابسته به دریافت تدارکات از خارج جزیره است. طبعاً با لحاظ تفسیر پیش‌گفته از «سکونت انسانی»، حضور این افراد نمی‌تواند جزیره ام‌المرادم را از شمول بند ۳ ماده ۱۲۱ خارج کند. ظاهراً در گذشته صیادان از ام‌المرادم برای صید مروارید در آب‌های پیرامونی آن استفاده می‌کردند و امروزه نیز این جزیره مورد بازدید گردشگران واقع می‌شود اما با لحاظ تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی از مفهوم «حیات اقتصادی خود»، این معیار نیز نمی‌تواند جزیره ام‌المرادم را از شمول بند ۳ ماده ۱۲۱ خارج کند.

در پایان، اشاره به جزیره کویتی کبر نیز ضروری است. این جزیره نیز همانند دو جزیره قاروه و ام‌المرادم مشمول قاعده مندرج در بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون به نظر می‌رسد. این جزیره مرجانی شش‌پوش که تقریباً ۱۶ مایل دریایی با ساحل کویت فاصله دارد، خارج از منطقه فراساحلی منطقه تقسیم‌شده قرار گرفته است. جزیره کبر فاقد جمعیت انسانی بوده و همواره به‌عنوان جزیره غیرمسکون شناخته شده است.^{۱۳۴} در این جزیره یک فانوس دریایی، یک برج مخابراتی و یک سکوی فرود بالگرد وجود دارد که به شرح پیش‌گفته، تغییری در وضع حقوقی آن پدید نمی‌آورد. ظاهراً فعالیت‌های تفریحی از قبیل قایقرانی و ورزش‌های دریایی در سواحل و آب‌های پیرامون این جزیره انجام می‌شود که بنا بر تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی نمی‌توان این گونه فعالیت‌ها را «حیات اقتصادی خود» جزیره تلقی کرد.

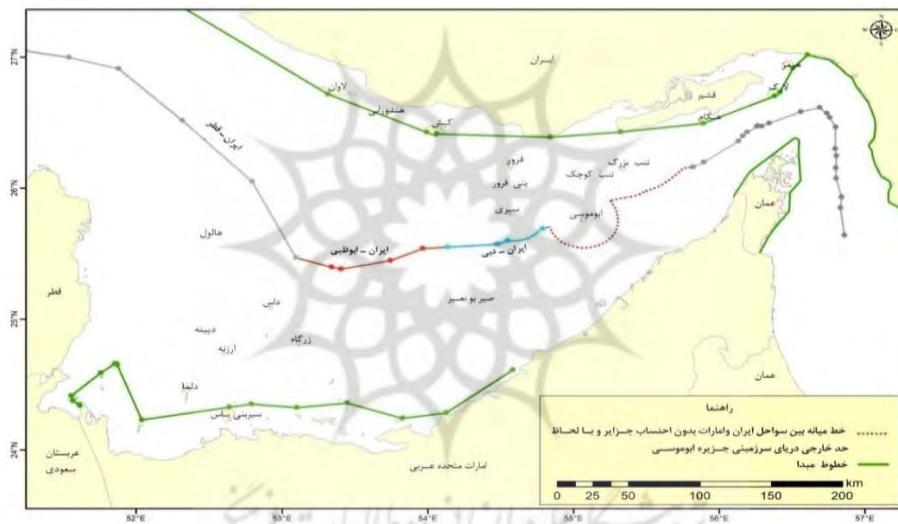
۴-۲. تحدید حدود بین ایران و امارات متحده عربی

به لحاظ وجود جزایر متعدد، از جمله جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، در امتداد سواحل ایران و امارات در خلیج فارس، مسئله جزایر در مورد تحدید حدود دریایی بین این دو کشور نیز درخور بررسی است. در واقع، دلیل درج تفسیر بند ۲ ماده ۱۲۱ کنوانسیون در اعلامیه تفسیری ایران، این ملاحظه بوده است که بند یادشده مانع از این شود که اثر جزایر تنب بزرگ و کوچک در ترسیم خط هم‌فاصله برای تحدید حدود دریایی بین ایران و امارات متحده عربی

133. British Admiralty Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 135; US Navy Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 150.

134. Admiralty Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 134; US Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 151.

لحاظ شود.^{۱۳۵} البته باید در نظر داشت که بنابر رویه جاری در معاهدات تحدید حدود دریایی کشورهای خلیج فارس، جزایر کرانه‌دور مانند جزایر سه‌گانه در تحدید حدود دریایی نادیده گرفته می‌شوند.^{۱۳۶} مؤید این مطلب، معاهدات تحدید حدودی است که قبلاً بین ایران و امارات تنظیم شده است. توضیح اینکه در *موافقت‌نامه تحدید حدود بخشی از فلات قاره بین دولت ایران و دولت امارات متحده عربی* که در ۱۳ اوت ۱۹۷۴ به امضا رسید، خط مرزی برای تحدید حدود بخشی از فلات قاره دو کشور بین ساحل ایران و امارت دبی تعیین شده که با نادیده‌گیری جزایر دو طرف ترسیم شده است (ن.ک: شکل ۲).^{۱۳۷} همین‌طور است در مورد *موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره بین ایران و ابوظبی* (قبل از تشکیل امارات متحده عربی) که در ۷ سپتامبر ۱۹۷۱ از سوی نمایندگان دو طرف پیش امضا (پاراف) شد (ن.ک: شکل ۲).^{۱۳۸}



شکل ۲ - تحدید حدود بین ایران و امارات متحده عربی

۱۳۵. در این خصوص، ن.ک: کاظمی، سیدعلی‌اصغر؛ *ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰.

136. Momtaz, *op.cit.*, p. 687.

Jayewardene, *op.cit.*, pp. 405-6.

۱۳۷. در این خصوص، ن.ک:

138. Momtaz, *op.cit.*, p. 688.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در تحدید حدود فلات قاره بین ایران و قطر طبق *موافقت‌نامه ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۹* نیز اثر جزایر کیش و هندورابی و لاوان در سوی ایران و جزیره هالول در سوی قطر نادیده گرفته شده است (ن.ک: شکل ۲). در این خصوص، ن.ک:

Jayewardene, *op.cit.*, p. 395.

با این همه، از آنجا که تا کنون بین ایران و امارات شارجه، ام‌القوین و رأس‌الخیمه تعیین حدود نشده و جزایر سه‌گانه به‌طور بالقوه اثر چشمگیری بر تعیین مرز دریایی ایران و امارات در این قسمت خواهند داشت، بررسی نقش این جزایر در تعیین حدود بین دو کشور همچنان ضروری به نظر می‌رسد چه این امکان وجود دارد که ایران در مذاکرات احتمالی در آینده خواستار لحاظ شدن این سه جزیره در تعیین حدود یا بهره‌گیری از این موضع برای چانه‌زنی شود.^{۱۳۹} شمول بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون در مورد جزیره ابوموسی منتفی به نظر می‌رسد. چنان که قبلاً اشاره شد، از نظر دیوان دآوری، آنچه در مورد بند ۳ ماده ۱۲۱ ملاک است، ظرفیت یک جزیره برای حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی است. جزیره ابوموسی از گذشته دور تا کنون همواره دارای جمعیت انسانی بومی و حیات اقتصادی بوده است.^{۱۴۰} وضعیت کنونی جزیره نیز به‌وضوح مؤید برداشت فوق است.^{۱۴۱} این جزیره ۱۲ کیلومتر مربع وسعت داشته و دارای منابع آب شیرین است.^{۱۴۲} بنابر آخرین سرشماری، این جزیره ۴۲۱۳ نفر (شامل ۸۵۷ خانوار) جمعیت دارد.^{۱۴۳} اکثریت جمعیت جزیره اتباع ایرانی هستند که در بخش ایرانی جزیره در شهر ابوموسی و شهرک‌های مسکونی پیرامون آن زندگی می‌کنند. تأسیسات زیربنایی گوناگون از قبیل ایستگاه برق، مرکز مخابرات، بیمارستان، کارخانه آب‌شیرین‌کن، سردخانه شیلات، فرودگاه و اسکله در این جزیره احداث شده است. دستگاه‌های اجرایی از قبیل فرمانداری، بخشداری، شهرداری و

۱۳۹. لازم به تأکید نیست که ایران و امارات متحده عربی در خصوص حاکمیت جزایر سه‌گانه با یکدیگر اختلاف دارند و لحاظ شدن این سه جزیره در تعیین حدود دریایی دو کشور با این فرض که امارات حاکمیت ایران بر آن‌ها را بپذیرد، مطرح می‌شود. برای توضیح بیشتر درباره اختلاف ایران و امارت درباره جزایر سه‌گانه، ن.ک: طبرسا، نقی؛ حاکمیت بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در روند سیاست خارجی ایران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ انتشارات، ۱۳۷۸. همچنین، ن.ک:

Buderi, Charles L.O. and T. Ricart, Luciana, *The Iran-UAE Gulf Islands Dispute*, Brill/Nijhoff, 2018. ذکر این نکته نیز ضروری است که جزایر سه‌گانه، خارج از خطوط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس قرار گرفته‌اند. چنانچه خطوط مبدأ مستقیم ایران به این سه جزیره گسترش یابد و با فرض اینکه خطوط مبدأ مستقیم در تعیین حدود دریایی لحاظ شود (در این خصوص ن.ک: صیرفی، ساسان؛ «کاربرد خطوط مبدأ مستقیم در تعیین حدود دریایی با نگاه ویژه به تعیین حدود دریایی بین ایران و کویت»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۱۳۹۷، دوره ۴۸، شماره ۳، صص ۵۰۵-۴۸۳). این سه جزیره قادر خواهند بود از این رهگذر نیز بر تعیین حدود بین ایران و امارات، مؤثر واقع شوند.

۱۴۰. در این خصوص، ن.ک: طبرسا؛ همان، صص ۵۲-۴۵؛ کامران، حسن؛ *جغرافیای نظامی جزایر (هرمز، جزایر سه‌گانه، سیری، فارور و فارورگان)*، انجمن جغرافیایی ایران، صص ۱۴۰-۷۴. همچنین، ن.ک:

Buderi and Ricard, *op.cit.*, pp. 11-15.

۱۴۱. در مورد وضعیت حقوقی جزیره ابوموسی که طبق یادداشت تفاهم ۱۷ نوامبر ۱۹۷۱ بین ایران و شارجه ایجاد شده است، ن.ک: طبرسا؛ همان، صص ۴۴۰-۳۳۱. همچنین، ن.ک:

Buderi and Ricard, *op.cit.*, pp. 555-760.

Buderi and Ricard, *op.cit.*, p. 11.

۱۴۲. طبرسا؛ همان، ص ۴۶، همچنین، ن.ک:

<https://www.amar.org.ir>

۱۴۳. در این خصوص، ن.ک: نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ در:

شیلات در کنار نیروهای نظامی و انتظامی از سوی دولت ایران در این جزیره مستقر شده است. در بخش اماراتی واقع در جنوب غرب جزیره نیز تأسیساتی مانند درمانگاه و پاسگاه وجود دارد که تحت نظر نماینده امیر شارجه اداره می‌شوند. مردم بومی جزیره ابوموسی از دیرباز به صید ماهی و مروارید در آب‌های پیرامون این جزیره می‌پرداختند. غیر از صیادان بومی، شناورهای صیادی ایرانی و اماراتی نیز در آب‌های پیرامون جزیره به صید منابع آبی می‌پردازند. افزون بر این، کشت مرکبات و خرما و دامداری از دیرباز در این جزیره وجود داشته است. این جزیره دارای معادن خاک سرخ، سنگ‌های آذرین و آهن است که در دوران اشغال انگلیس امتیاز بهره‌برداری از آن‌ها به شرکت‌های خارجی واگذار شده بود و مدتی نیز مورد بهره‌برداری یک شرکت ایرانی بود. در سال‌های اخیر واحدهای صنعتی کوچک در زمینه بسته‌بندی شیلات، کنسروسازی و ... در این جزیره راه‌اندازی شده است.^{۱۴۴}

در مقابل، جزیره تنب کوچک همواره به‌عنوان جزیره غیرمسکونی شناخته شده و فاقد منابع طبیعی برای حفظ سکونت انسانی است.^{۱۴۵} در حال حاضر تنها نیروهای نظامی ایران و تأسیسات مربوط به آنان از قبیل اسکله، مولد برق و باند فرود هواپیما در این جزیره استقرار دارند که از خارج جزیره تدارکات دریافت می‌کنند. بنابر تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی از بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون، نمی‌توان حضور مأمورین دولتی و قوای نظامی ایران را به منزله سکونت انسانی در این جزیره تلقی کرد؛ لذا به نظر چنین می‌رسد که جزیره تنب کوچک مشمول قاعده مندرج در بند ۳ ماده ۱۲۱ باشد. با این همه، شمول استثنای صخره‌ها بر جزیره تنب کوچک اهمیت چندانی ندارد زیرا موقعیت جغرافیایی این جزیره نسبت به جزیره تنب بزرگ به گونه‌ای است که در فرض ملحوظ‌شدن جزایر سه‌گانه در تحدید حدود بین ایران و امارات، جزیره تنب کوچک اثری در ترسیم خط میانه نخواهد داشت بلکه جزیره تنب بزرگ در تعیین مرز دریایی مؤثر خواهد بود. در خصوص جزیره تنب بزرگ باید در نظر داشت که ساکنان کنونی این جزیره نیز عمدتاً کارکنان دولتی و نیروهای نظامی و انتظامی ایران هستند.^{۱۴۶} تأسیسات زیربنایی جزیره از قبیل نیروگاه برق، باند فرود هواپیما، درمانگاه و خانه‌های سازمانی نیز مورد استفاده مأمورین دولتی به‌ویژه بخش‌داری تنب و نیروهای نظامی و انتظامی حاضر در جزیره هستند. با این وصف، به نظر می‌رسد که بنابر تفسیر دیوان دریای چین جنوبی از بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون، بتوان جزیره تنب بزرگ را از شمول این بند خارج دانست زیرا به شرحی که گذشت، از نظر دیوان داوری، آنچه در

۱۴۴. طبرسا؛ همان، صص ۵۳-۴۹؛ کامران؛ همان، ۱۱۴-۳۴.

۱۴۵. طبرسا؛ همان، صص ۵۳-۴۰؛ همچنین، ن.ک.

Buderi and Ricard, *op.cit.*, pp. 6-7; US Navy Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 226.

۱۴۶. کامران؛ همان، ص ۱۶۴.

مورد بند ۳ ماده ۱۲۱ ملاک است، ظرفیت یک جزیره برای حفظ سکونت انسانی یا حیات اقتصادی است و چنانچه جزیره‌ای در گذشته دارای سکونت انسانی یا حیات اقتصادی بوده که به جهتی غیرطبیعی متوقف شده، همین سابقه تاریخی، دلیلی بر اثبات ظرفیت جزیره است. در مورد جزیره تنب بزرگ، منابع متعدد دلالت بر این دارند که این جزیره همواره مسکونی بوده و تا قبل از بازگشت حاکمیت ایران در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ (۹ آذر ۱۳۵۰) حداقل ۳۹ خانوار بومی در آن زندگی و از طریق دامداری و کشاورزی و ماهی‌گیری امرار معاش می‌کردند.^{۱۴۷} افزون بر این، شرایط طبیعی جزیره از جمله منابع آب شیرین و پوشش گیاهی آن شامل چندین باغ میوه و نخلستان، مؤید این برداشت است که جزیره تنب بزرگ، ظرفیت حفظ سکونت انسانی و حیات اقتصادی در خود را دارد.^{۱۴۸}

در پایان این بحث، اشاره به دو جزیره اماراتی صیر/بُونَعیر و داس نیز ضروری به نظر می‌رسد. چنان که قبلاً اشاره شد، ایران و ابوظبی در موافقت‌نامه پاراف شده در ۷ سپتامبر ۱۹۷۱ با نادیده‌انگاری جزایر، فلات قاره میان خود را تحدید حدود کرده‌اند اما از آنجا که این موافقت‌نامه حتی به امضا نرسیده، طرفین به آن تعهدی ندارند و هر یک می‌توانند خواستار مذاکره مجدد برای تحدید حدود دریایی شوند. در این فرض، دو جزیره یادشده اثر چشمگیری بر تعیین مرز دریایی به سود امارات خواهند داشت. جزیره صیر/بُونَعیر که به امارت شارجه تعلق دارد، از گذشته همواره جزیره‌ای غیرمسکونی شناخته شده است.^{۱۴۹} به لحاظ تنوع زیستی در جزیره صیر/بُونَعیر، این جزیره از سال ۲۰۰۰ به‌عنوان منطقه حفاظت‌شده دریایی اعلام شده و در ۲۰۱۳ در فهرست کنوانسیون تالاب‌های بین‌المللی به‌ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی (کنوانسیون رامسر) ثبت شده است. در این راستا، تأسیساتی همچون باند فرود هواپیما، یک بندرگاه کوچک و یک مجتمع اقامتی جهت زیست‌بوم‌گردی در این جزیره احداث شده است. به‌رغم اینکه از این جزیره برای گردشگری زیست‌بومی و دیگر تفریحات دریایی استفاده می‌شود، نمی‌توان آن را دارای حیات اقتصادی از خود دانست زیرا بنابر تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی از بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون، حیات اقتصادی جزیره ناشی از فعالیت اقتصادی جمعیت انسانی ساکن در جزیره است و این در حالی است که جزیره صیر/بُونَعیر اساساً فاقد جمعیت انسانی دائم است. افزون بر این، استفاده از این جزیره برای زیست‌بوم‌گردی و تفریحات دریایی، مصداق بارز «فعالیت اقتصادی کاملاً وابسته به منابع بیرونی» است که دیوان داوری آن را بازنمود حیات اقتصادی خود جزیره نمی‌داند.

۱۴۷. طبرسا؛ همان، ص ۵۳؛ همچنین، ن.ک:

Buderi and Ricard, *op.cit.*, pp. 7-11; US Navy Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 225.

۱۴۸. برای توضیح بیشتر، ن.ک: کامران؛ همان، صص ۱۵۲-۵۵.

149. Admiralty Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 86; US Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 96.

اما ارزیابی جزیره داس دشوارتر به نظر می‌رسد. این جزیره متعلق به امارت ابوظبی بوده و بیش از ۸۶ مایل دریایی با ساحل فاصله دارد، به طوری که ملحوظ شدن آن، مرز دریایی را به طور محسوس به سود امارات حرکت خواهد داد. ظاهراً این جزیره نیز در گذشته غیرمسکونی بوده است.^{۱۵۰} اما طی چندین دهه گذشته تأسیسات نفتی گسترده‌ای توسط ابوظبی در این جزیره احداث شده است. در واقع، جزیره داس محل استقرار یک پایانه دریایی صدور نفت است که برای صادرات نفت خام و گاز مایع شده حاصل از میدان‌های نفتی فراساحلی نزدیک این جزیره مانند ام‌ثیف و زکوم به کار می‌رود، به طوری که گفته می‌شود چندین هزار کارگر در این جزیره مشغول فعالیت هستند و انواع تسهیلات و تأسیسات از جمله فرودگاه و خانه‌های سازمانی نیز برای سکونت آنان در جزیره فراهم شده است.^{۱۵۱} در نگاه نخست، جزیره داس دارای سکونت انسانی و حیات اقتصادی خود به نظر می‌رسد اما با لحاظ تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی از بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون می‌توان در این خصوص تشکیک کرد. ساکنان جزیره داس جمعیت بومی این جزیره نیستند بلکه کارکنان و کارگرانی هستند که به صورت چرخشی از سوی شرکت نفت دولتی ابوظبی به این جزیره اعزام می‌شوند و نیازمند تدارکات از خارج جزیره هستند. چنان که گفته شد، از نظر دیوان داوری، استفاده از جزیره «به‌عنوان وسیله برای استخراج [منابع طبیعی] بدون دخالت جمعیت محلی»^{۱۵۲} باز نمود حیات اقتصادی خود جزیره نیست و جزیره داس نیز دقیقاً چنین وضعی دارد زیرا از این جزیره برای صدور نفت و گاز تولید شده در میدان‌های فراساحلی ابوظبی که با خط لوله به این جزیره منتقل و در پایانه دریایی آن توسط کشتی‌های نفت کش بارگیری می‌شود، استفاده می‌کنند.

نتیجه

از زمان انعقاد کنوانسیون حقوق دریاها، تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ این کنوانسیون مسئله‌ای چالشی بوده است. ابهام در واژه‌پردازی این بند سبب شده پرسش‌ها و بحث‌های متعددی درباره مفاد و مصادیق آن مطرح شود. این در حالی است که اثر اجرای قاعده مندرج در این بند که به‌عنوان قاعده عرفی پذیرفته شده، محرومیت جزیره از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره و بی‌اثری آن در تحدید حدود این دو منطقه است، که زیانی سنگین برای منافع کشور ساحلی مالک جزیره محسوب می‌شود. تا زمان صدور رأی ماهیتی دیوان داوری دریای چین جنوبی، روبه‌قضایی نیز از بیان نظر در این خصوص پرهیز کرده بود اما این دیوان تفسیری جامع از بند مورد بحث به دست

150. Admiralty Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 94; US Persian Gulf Pilot, *op.cit.*, p. 103.

151. US Persian Gulf Sailing Directions, *op.cit.*, pp. 335-8.

152. The South China Sea Arbitration, *op.cit.*, para. 543.

داد که پاسخ‌های مشخصی به پرسش‌های پیش‌گفته در بر دارد. از نظر دیوان دریای چین جنوبی، واژه «صخره» در بند ۳ ماده ۱۲۱ بر جزایر سنگی در مفهوم زمین‌شناختی دلالت ندارد و هر جزیره‌ای می‌تواند مشمول بند ۳ ماده ۱۲۱ شود، همچنان که مساحت جزیره نیز از این حیث مؤثر در مقام نیست. این تفسیر موسع دیوان از واژه «صخره» از این نظر قابل انتقاد است که بند ۳ ماده ۱۲۱ استثنایی بر قاعده کلی بند ۲ این ماده بوده و بنابر اصول دیرپای تفسیر باید به‌طور مضیق تفسیر شود. همین‌طور است در مورد تفسیر دیوان از عبارت «نمی‌توانند ... حفظ کنند» که به معنی ظرفیت بالقوه جزیره برای سکونت انسانی یا حیات اقتصادی دانسته شده است. اما در مقابل، تفسیر دیوان از دو مفهوم «سکونت انسانی» و «حیات اقتصادی خود» بسیار محدود و سخت‌گیرانه است. از نظر دیوان، سکونت انسانی به معنی وجود اجتماع انسانی بومی و ریشه‌دار در جزیره است که به‌طور دائم در آن اقامت داشته باشند و به منابع بیرونی نیز وابسته نباشند. بر این اساس، حضور کارکنان دولتی یا نیروهای نظامی و انتظامی در جزیره که برای اجرای وظایف خود به جزیره اعزام شده‌اند، سکونت انسانی تلقی نمی‌شود. همچنین حیات اقتصادی خود جزیره در صورتی محقق می‌شود که برآمده از جمعیت محلی جزیره باشد؛ لذا استفاده از یک جزیره برای صید منابع آبی یا استخراج از میدان‌های فراساحلی نفت و گاز، حیات اقتصادی خود جزیره محسوب نمی‌شود. البته نتیجه این تفسیر مضیق از دو معیار «سکونت انسانی» و «حیات اقتصادی خود» این خواهد بود که شمار فراوانی از جزایر متعلق به کشورهای ساحلی از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره محروم شوند. ناگفته پیداست که کشورهای یادشده به‌سادگی پذیرای چنین تفسیری نخواهند بود. نکته دیگر اینکه دیوان سابقه وجود سکونت انسانی یا حیات اقتصادی در یک جزیره را دلیلی معتبر برای احراز ظرفیت جزیره در این خصوص تلقی کرده است.

فارغ از اینکه یافته‌های دیوان داوری دریای چین جنوبی چگونه ارزیابی شود، به نظر چنین می‌رسد که تفسیر دیوان از بند ۳ ماده ۱۲۱ در تعیین مرزهای دریایی ایران با کویت و امارات متحده عربی به سود ایران قابل استفاده باشد. بررسی وضع کنونی و گذشته سه جزیره کویتی *قاروه*، *ام‌المرادم* و *کبر* نشان می‌دهد که هر سه جزیره منطبق با بند مورد بحث بوده و بدین جهت می‌توان استدلال کرد که نباید در تحدید حدود با ایران ملحوظ شوند. در مورد تحدید حدود بین ایران و امارات، جزایر *تنب بزرگ* و *کوچک* از سوی ایران و جزایر *صیر*، *بونعیر* و *داس* از سوی امارات در این خصوص قابل بررسی هستند. با لحاظ تفسیر دیوان داوری دریای چین جنوبی از بند ۳ ماده ۱۲۱ به نظر چنین می‌رسد که باید جزیره *تنب کوچک* را مشمول قاعده مندرج در این بند دانست، هرچند این جزیره به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود نسبت به جزیره *تنب بزرگ*، اثر چندانی در تحدید حدود ندارد. در مقابل، جزیره *تنب بزرگ* به لحاظ سابقه

سکونت انسانی و حیات اقتصادی، در گذشته مشمول بند ۳ ماده ۱۲۱ نبود و باید در تحدید حدود با امارات لحاظ شود. از سوی دیگر، جزیره صیر/بونعیر همواره به عنوان جزیره غیرمسکونی شناخته شده و نمی توان فعالیت های زیست بوم گردی و تفریحات دریایی در این جزیره را حیات اقتصادی خود جزیره تلقی کرد. بیان نظر درباره جزیره داس دشوارتر است زیرا این جزیره محل استقرار تأسیسات عظیم نفتی با کارکنان و کارگران پرشمار است. با این وصف، از آنجا که ساکنان این جزیره، کارکنان و کارگران تأسیسات نفتی هستند و جمعیت بومی در این جزیره وجود ندارد که در فعالیت اقتصادی شرکت کند، می توان بنابر تفسیر دیوان داورى چین جنوبی استدلال کرد که این جزیره نیز مشمول بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها است و نباید در تحدید حدود ملحوظ شود.



منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. بیگزاده، ابراهیم و اسما سالاری؛ نظام حقوقی جزایر در حقوق بین‌الملل، خرسندی، ۱۳۹۱.
۲. چگینی، وحید؛ فرهنگ تشریحی مهندسی سواحل و فیزیک دریا، مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی، ۱۳۹۰.
۳. سون، لویی‌بی و همکاران؛ حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، جنگل، ۱۳۹۶.
۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق معاهدات بین‌المللی، گنج دانش، ۱۳۸۳.
۵. طبرسا، نقی؛ حاکمیت بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در روند سیاست خارجی ایران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ انتشارات، ۱۳۷۸.
۶. طلایی، فرهاد؛ حقوق بین‌الملل دریاها، جنگل، ۱۳۹۶.
۷. کاظمی، سیدعلی‌اصغر؛ ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
۸. کامران، حسن؛ جغرافیای نظامی جزایر (هرمز، جزایر سه‌گانه، سیری، فارور و فارورگان)، انجمن جغرافیایی ایران، ۱۳۸۲.

- مقاله

۱. راستی، عمران؛ «قلمروسازی‌های ادعایی کویت و همپوشانی با قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس بررسی و تحلیل کارتوگرافیکی قانون و نقشه مناطق دریایی کویت مصوب ۲۰۱۴»، تحقیقات جغرافیایی، سال سی‌ویکم، شماره ۱، ۱۳۹۷.
۲. سالاری، اسماء؛ «وضعیت صخره در حقوق بین‌الملل دریاها با تکیه بر رأی داوری دریای چین جنوبی»، اقیانوس‌شناسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۱۳۹۹.
۳. صیرفی، ساسان؛ «تعیین حد خارجی فلات قاره: بررسی ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۲۵، شماره ۱، ۱۳۹۴.

۴. _____ ؛ «کاربرد خطوط مبدأ مستقیم در تعیین حدود دریایی با نگاه ویژه به تعیین حدود دریایی بین ایران و کویت»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۳، ۱۳۹۷.

– پایان نامه

۱. صیرفی، ساسان؛ خط مبدأ مناطق دریایی با نگاه ویژه به خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان، رساله دکتری رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

ب. انگلیسی

- Books

1. Balacchino, Godfrey, *The Routledge International Handbook of Island Studies*, Routledge, 2018.
2. Bowett, Derek W., *The Legal Regime of Islands in International Law*, Oceana Publications, 1979.
3. Bouderi, Charles L.O. and Luciana T. Ricart, *The Iran-UAE Gulf Islands Dispute*, Brill/Nijhoff, 2018.
4. Colson, David A. and Robert W. Smith (eds.) *International Maritime Boundaries*, Martinus Nijhoff, Vol. V, 2005.
5. Dupuy, Rene-Jean and Daniel Vignes (eds.), *Handbook on the New Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 1991.
6. Jayewardene, Hiran W., *The Regime of Islands in International Law*, Martinus Nijhoff Publishers, 1990.
7. Lando, Massimo, *Maritime Delimitation as A Judicial Process*, Cambridge University Press, 2019.
8. Prescott, Victor and Clive Schofield, *The Maritime Political Boundaries of the World*, Martinus Nijhoff Publishers, 2005.
9. Proelss, Alexander (ed.), *United Nations Convention on the Law of the Sea: A Commentary*, C.H. Beck/Hart/Nomos, 2017.
10. Schofield, Clive, *The Regime of Islands Reframed: Developments in the Definition of Islands under the International*, Brill, 2019.
11. Symmons, Clive, *The Maritime Zones of Islands in International Law*, Martinus Nijhoff, 1979.
12. Tanaka, Yushifumi, *The International Law of the Sea*, Cambridge University Press, 2019.
13. Walker, George K., *Definitions for the Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 2012.

14. Worster, William Thomas (ed.), *United Nations Convention on the Law of the Sea*, Create Space Independent Publishing, 2012.

- Articles

1. Asghaii, Sohaab, "The Unfinished Business of Arab-Kuwait Maritime Boundary Delimitation" in Pious Mojtabeh-Zadeh (ed.), *Boundary Politics and International Boundaries of Iran*, Universal Publishers, 2006, pp. 295-304.
2. Bennett, Deek W., "Islands, Rocks, Tides and Low-Tide Elevations in Maritime Boundary Delimitations", in Jonathan D. Hanney and Lewis M. Alexander (eds.), *International Maritime Boundaries*, Martinus Nijhoff Publishers, vol. I, 1991, pp. 131-151.
3. Charney, J. I., "Rocks that Cannot Sustain Human Habitation", *American Journal of International Law*, Vol. 93, No. 4, 1999, pp. 863-876.
4. Evans, Malcolm D. and Edele Lewis, "The Regime of Islands" in Øystein Jensen (ed.), *The Development of the Law of the Sea Convention*, Edward Elgar Publishing, 2020, pp. 14-47.
5. Franck, Erik "The Regime of Islands and Rocks" in David Joseph Attard (ed.), *The IMLI Manual on International Maritime Law*, Oxford University Press, Vol. I, 2014, pp. 99-124.
6. Gau, Michael Sheng-ti, "The Interpretation of Article 121(3) of UNCLOS by the Tribunal for the South China Sea Arbitration: A Critique", *Ocean Development & International Law*, Vol. 50, No. 1, 2019, pp. 49-69.
7. Kwiatkowska, Barbara and H. A. Soons, Alfred, "Entitlement to Maritime Areas of Rocks Which Cannot Sustain Human Habitation or Economic Life of Their Own," *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 21, 1990, pp. 139-181.
8. Pemmaraju, Sreenivasa Rao, "The South China Sea Arbitration (The Philippines v. China): Assessment of the Award on Jurisdiction and Admissibility," *Chinese Journal of International Law*, Vol. 15, No. 2, 2016, pp. 265-307.
9. Tanaka, Yushifumi, "Reflections on the Interpretation and Application of Article 121(3) in the South China Sea Arbitration Matters", *Ocean Development & International Law*, Vol. 48, No. 3-4, 2017, pp. 366-385.
10. Townsend-Gault, Ian "Townsend-Gault, "Maritime Boundaries in the Arabian Gulf", in Ilive H. Schofield, et al eds., *The Razor's Edge: International Boundaries and Political Geography*, Kluwer Law International, 2002, pp. 223-236.

11. Van Dyke, Jon M. & Robert A. oooks, “Uninhabited sslands: Their mpact on the Owneship of the Ocean ee soucces”, *Ocean Development & International Law*, Vol. 12, No. 3-4, 1983, pp. 265-300.

- Collected Courses of The Hague Academy of International Law

1. Mupphy, Sean D., “nrtenrnational Law ee lating to sslands”, *Collected Courses of The Hague Academy of International Law*, Vol. 386, 2017.

- Instruments and Documents

1. Admiralty Hydrographic Office, *Persian Gulf Pilot*, 1864.
2. *Agreement between the State of Kuwait and the Kingdom of Saudi Arabia Regarding the Submerged Zone Contiguous to the Partitioned Zone*, 2 July 2000, reprinted in *Law of the Sea Bulletin*, No. 46, 2001, pp. 84-6.
3. *Conciliation Commission on the Continental Shelf area between Iceland and Jan Mayen: Report and recommendations to the governments of Iceland and Norway*, reprinted in *Reports of International Arbitral Awards*, Vol. XXVII, 1981.
4. *Decree No. 317 Concerning the Delimitation of the Marine Areas Pertaining to the State of Kuwait and its amendment*, 29 October 2014, reprinted in *Law of the Sea Bulletin*, No.89, pp. 20-22.
5. National Geospatial-Intelligence Agency, *Sailing Directions (Enroute): Red Sea and the Persian Gulf*, PUB.172, 21st Edition, 2020.
6. Oode Eleenrik, Alex G. “Il aiiyying Atticle 121 33) of the Law of the Sea Convention: The Limits Set by the Nature of International Legal Poocess”, *IBRU Boundary and Security Bulletin*, 1998.
7. *Supplementary Agreement to the Agreement between the Kingdom of Saudi Arabia and the State of Kuwait on the Partition of the Neutral Zone and to the Agreement ... concerning the Submerged Area Adjacent to the Divided Zone*, 24 December 2019, reprinted in *Law of the Sea Bulletin*, No. 104, 2021, pp. 19-27.
8. United Nations, *The Law of the Sea; Regime of Islands Legislative History of Part VIII (Article 121) of the United Nations Convention on the Law of the Sea*, New York, United Nations Publication, 1988.
9. US Navy Hydrographic Office, *Persian Gulf Pilot*, 1st Edition, Washington, Government Printing Office, 1920.

- Cases

1. *Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain* (Qatar v. Bahrain), ICJ Reports, 2001, pp. 40-118.

2. *Maritime Delimitation in the Area between Greenland and Jan Mayen (Denmark v. Norway)*, ICJ Reports, 1993, pp. 38-82.
3. *Maritime Delimitation in the Caribbean Sea and the Pacific Ocean (Costa Rica v. Nicaragua)*, ICJ Reports, 2018, pp. 139-227.
4. *Sovreinty and Maritime Delimitation in the Red Sea (Eritrea/Yemen)*, Second Stage: Maritime Delimitation, Award of 17 December 1999, Reports of International Arbitral Awards, Vol. XXII, pp. 335-410.
5. *Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia)*, ICJ Reports, 2012, pp. 624-720.
6. *The South China Sea Arbitration (The Philippines v. The People's Republic of China)*, Merits, Award of 12 July 2016, Reports of International Arbitral Awards, Vol. XXXIII, 2020, pp. 153-617.

ج. فرانسه

1. Dipla, Haritini, *Le régime juridique des îles dans le droit international de la mer*, Graduate Institute Publications, 1984.
2. Karagiannis, Symeon, "Rochers qui ne se prêtent pas à l'habitation humaine ou a une vie économique propre et le droit de la mer" *Revue Belge de Droit International*, Vol. 29, No. 2, 1996, pp. 559-624.
3. Kolb, Robert, "L'interprétation de l'article 121, paragraphe 3, de la convention de Montego Bay sur le droit de la mer: les «rochers qui ne se prêtent pas à l'habitation humaine ou à une vie économique propre...», *Annuaire Francais de Droit International*, Vol. 40, 1994, pp. 876-909.
4. Momtaz, Djamchid "La délimitation du plateau continental du Golee Persique: une entreprise inachevée" in Lilian del Castillo (ed.), *Law of the Sea, From Grotius to the International Tribunal for the Law of the Sea*, Brill, 2015, pp. 685-697.